

شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌های مؤثر بر تجرد در ایران

سارا شهانواز،* منصوره اعظم آزاده**

چکیده

طی دهه‌های گذشته ساختارها و نهادهای اجتماعی از جمله خانواده متأثر از پدیده‌هایی همچون مدرنیسم، جهانی‌شدن و گسترش شبکه‌های ارتباطی دچار تحولات فراوانی شده است. دگرگونی در الگوی ازدواج و سن ازدواج از حوزه‌های متأثر از این تغییرات است. در کشور ما نیز تأخیر در ازدواج و تشدید تجرد در سالیان اخیر روند فزاینده‌ای داشته است. هدف این پژوهش نیز شناسایی و بررسی پیش‌ران‌های مؤثر بر مسئله تجرد در ایران است. برای دستیابی به این هدف پس از بررسی و تحلیل اسناد، مطالعات، نظریات و همچنین مصاحبه با خبرگان فهرستی شامل ۱۰۴ عامل مؤثر بر تجرد در ایران تهیه و سپس با استفاده از روش دلفی در نهایت ۱۹ پیش‌ران مؤثر بر تجرد در ایران انتخاب شد. این پیش‌ران‌ها پس از قرارگرفتن در ماتریس آثار متقابل طراحی شده در اختیار ۱۱ نفر از خبرگان قرار گرفت و تجمیع نظرات آنها درباره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هرکدام از پیش‌ران‌ها در ماتریس اثرات متقابل وارد شد. با تحلیل خروجی‌های نرم‌افزار میک مک، میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر یک از پیش‌ران‌ها مشخص شد. براین اساس عواملی نظیر «تأثیر رسانه‌های جمعی بر تغییر نگرش جوانان، پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده، ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای زیربسط برای تسهیل ازدواج» به‌عنوان پیش‌ران‌های کلیدی که دارای بیشترین میزان تأثیرگذاری بر تجرد در ایران هستند شناسایی شدند.

کلیدواژه‌ها: پیش‌ران‌ها، تجرد، تحلیل اثرات متقابل، میک مک.

s.shahanavaz@gmail.com

maazadeh@yahoo.com

* دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)

** دانشیار دانشگاه الزهرا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۹

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۵۷-۱۹۱

۱. مقدمه

ازدواج پیمان مقدسی است که در میان همه اقوام و ملل و در همه زمانها و مکانها وجود داشته است. ازدواج سرآغاز تشکیل خانواده و از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است که تاریخی به قدمت حیات انسان دارد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۷). ازدواج علاوه بر تأمین نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری بالا، ازدواج به‌عنوان هنجاری پذیرفته‌شده در همه کشورهای دنیا محسوب می‌شود. از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بی‌توجهی به ازدواج امری ناپسند شمرده می‌شود؛ زیرا بقا خانواده وابسته به استمرار ازدواج است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۹۹). گرچه ازدواج عملی ارادی و تابع خواسته و تمایلات فردی است، با این حال تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار دارد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۳). آلن ژیرار^۱ معتقد است ازدواج در میان همه آداب و مراسم انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چه از نظر فردی، چه زیستی و چه از نظر اجتماعی هیچ نهادی مانند ازدواج نبوده است که جهان‌شمول و ثابت و پایدار باشد. به همین سبب هیچ نهادی مانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۰).

پارسونز مدرنیزاسیون را «خالق نظم اجتماعی باز، متحرک و دموکراتیک می‌دانست» او به پیشرفت واقعی آزادی‌های شخصی در مدرنیزاسیون باور داشت. از نظر او در جوامع مدرن درآمدهای بالاتر و بازارهای گسترده، آزادی انتخاب در مصرف را افزایش می‌دهند و براین اساس دامنه وسیعی از دسترسی به خدمات مختلف مانند آموزش و خوابگاه‌های عمومی وجود دارد. همچنین آزادی زیادی در همسرگزینی، انتخاب شغل، آزادی بیان و اظهارنظر وجود دارد (سیدمن، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۶). طی قرن بیستم به‌خصوص بعد از جنگ جهانی دوم تغییرات اجتماعی- اقتصادی فراوانی در همه کشورهای جهان صورت گرفت (گیونز^۲ و هیرشمن^۳، ۱۹۹۴). این تغییرات در سطوح اجتماعی تأثیر فراوانی داشته و نهادهای اجتماعی از جمله ساختار خانواده‌ها دچار تحولات اساسی شده است. تغییرات گسترده در حوزه ارزش‌های اجتماعی، اهمیت روزافزون فردگرایی، امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، تغییر نقش زنان در عرصه اجتماعی و امکان اشتغال آنها، و تقابل ارزش‌های سنتی با ارزش‌های نوپدید و... همگی بر سبک زندگی بشر و به‌خصوص جوانان تأثیر بسیار چشمگیری داشته است. این عوامل به همراه عوامل ساختاری دیگر باعث تغییر در هنجارهای سنتی ازدواج، تأخیر در سن ازدواج و کاهش

1. Girard
2. Givens
- 3 Hirschman

میزان ازدواج شده است. در دنیای امروز وسایل ارتباط‌جمعی به‌عنوان یکی از ابزارهای جهانی‌شدن باعث نزدیکی سلیقه‌ها، خواست‌ها و انتظاراتی همه‌ساکنان یک جامعه شده است (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۸۳). خانواده به عنوان نهاد اجتماعی در فرآیند جهانی‌شدن دچار تناقضات بیش‌ازپیش می‌شود. از طرفی مشارکت اقتصادی زنان در خانواده ضرورت می‌یابد و در طرف دیگر تمایلات فرزندآوری قرار دارد (ترنر، ۱۳۸۱: ۲۹۴). پدیده تجرد و افزایش سن ازدواج تنها مختص جامعه ما نیست و در کشورهای توسعه‌یافته نیز وجود دارد. در واقع پدیده مجردهای شهری اولین بار در آمریکا مطرح شد. براساس مطالعات انجام‌شده سن ازدواج در دهه ۱۹۶۰ به شدت در آمریکا افزایش یافت (لوگران و زیسموپولوس، ۲۰۰۴: ۲). در دهه‌های اخیر این پدیده وارد کشورهای دیگر دنیا از جمله کشور ما شده است. ورود و گسترش روند نوسازی و مدرنیته در ایران، پیامدهای اجتماعی- فرهنگی مانند دسترسی بیشتر به شبکه‌های اجتماعی، افزایش حضور زنان در حوزه‌های عمومی، کمرنگ‌شدن هنجارها و باورهای مذهبی، تغییر در نگرش‌های جنسیتی، افزایش استفاده و نفوذ رسانه‌ها و تغییر در ارتباطات دو جنس و اشکال جدید خانواده را به همراه داشته است (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲).

سن ازدواج یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می‌شود (مورایاما، ۲۰۰۱: ۳۰۷). در برخی از جوامع و فرهنگ‌ها، مانند جامعه ما، ازدواج نخستین گام فرد برای دستیابی به زندگی مشترک است. اگر این گام در زمان مناسب و به شکل صحیح برداشته شود، کارکردهای مناسب آن در طول زندگی مشترک مشخص می‌شود. هرچه کارکردهای ازدواج در زندگی زنان و مردان بیشتر باشد، خانواده‌های معطوف به این ازدواج‌ها مستحکم‌تر بوده و در نتیجه جامعه متشکل از این خانواده‌ها دارای انسجام و همبستگی بیشتری خواهد بود (کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۵۰).

براساس آمارها میانگین سن ازدواج مردان در کل کشور از ۲۴/۹ سال در سال ۱۳۳۵ به ۲۶/۷ سال در سال ۱۳۹۰ رسیده است. همچنین میانگین سن ازدواج زنان در سال ۱۳۳۵ از عدد ۱۹ به ۲۳/۴ در سال ۱۳۹۰ رسیده است. براساس آمار افزایش میانگین سن ازدواج هم در شهرها و هم روستاها رخ داده است. ورود نوسازی و گسترش شهرنشینی و صنعتی‌شدن در کشور ما تغییرات ارزشی، اهمیت فردگرایی و انتخاب‌های آزادانه را گسترش داده است؛ که سبب شده است جوانان تجرد را انتخاب کنند. همچنین در سال‌های اخیر وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه ازدواج را تبدیل به امری پرهزینه کرده است. با توجه به نظریه مرتن می‌توان گفت که انتخاب تجرد واکنشی به ناکارآمدی موجود در ساختار است. همچنین موج تحولات ارزشی و نگرشی متأثر از نوسازی و جهانی‌شدن و رسانه‌های جمعی تقدس خانواده و مذموم بودن تجرد را زیر سؤال برده است (جواهری و ستوده هلالی، ۱۳۹۵: ۲۰۲).

گرچه پدیده تجرد در کشور ما همراه با کشورهای دیگر دنیا رخ داده است؛ اما نکته قابل توجه این است که با وجود میزان بالای جمعیت جوان در کشور این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. زیرا جمعیت قابل توجهی از افراد جامعه با این موضوع مواجهند و این مسئله می‌تواند پیامدها و آسیب‌هایی در سطوح اجتماعی و فردی داشته باشد. ازدواج در جامعه ما از اهمیت فرهنگی، اجتماعی و دینی برخوردار است. اگر تأخیر در ازدواج باعث افزایش سرمایه‌های انسانی فرد شود، و فرد بتواند انتخاب با دید بازتری داشته باشد می‌توان این تأخیر را نقش مثبت در زندگی فرد دانست. اما در بسیاری مواقع افزایش بیش از حد سن ازدواج باعث سرخوردگی‌های عاطفی و روانی در فرد شده که حتی افزایش توانمندی‌ها نیز نمی‌تواند درمانگر این سرخوردگی‌ها باشد (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

تأخیر در ازدواج می‌تواند مجالی برای افزایش تحصیلات، اشتغال و کسب درآمد، ارتقای هویت فردی و اجتماعی برای زنان و مردان فراهم کند؛ اما پیامدهای منفی نیز با خود به همراه دارد. استین^۱ دسته‌بندی درباره تجرد دارد که با توجه به آن می‌توان درباره پیامدهای مختلف تجرد صحبت کرد. او تجرد را در چهار دسته تجرد داوطلبانه موقتی، تجرد داوطلبانه پایدار، تجرد غیرداوطلبانه موقتی و تجرد غیرداوطلبانه پایدار طبقه‌بندی می‌کند. افراد مجرد در طول زندگی در این طبقات جابجا می‌شوند. هر دسته موقعیت اجتماعی خاص و آثار متفاوتی برای فرد دارد. گرچه توانمندی و ظرفیت‌های اجتماعی فرد در نحوه رویارویی با موقعیت‌های یادشده نقش زیادی دارد. براین اساس است که تجرد برای برخی افراد فرصت و به برخی دیگر محدودیت می‌بخشد (جوهری و ستوده هلالی، ۱۳۹۵: ۲۰۱).

در جوامعی مانند ایران سنت‌ها و هنجارها بر ضرورت تشکیل خانواده تأکید می‌کنند، سن ازدواج به دلیل اهمیت هویت‌بخشی، افزایش زمان باروری و تأثیرات جمعیتی بسیار بااهمیت است (عباس‌زاده و نیکدل، ۱۳۹۵: ۴۹۵). عدم تشکیل خانواده و تجرد در درازمدت می‌تواند به کاهش میزان باروری منجر شود و تعادل جمعیتی را دچار مشکل سازد. در موضوع میزان باروری نقش مهم بر عهده افرادی است که دیر ازدواج می‌کنند و میزان زادوولد خود را در سطح بسیار محدود نگاه می‌دارند. با این حال این حقیقت وجود دارد که ازدواج نکردن موجب کاهش میزان باروری می‌شود (جوهری و ستوده هلالی، ۱۳۹۵: ۲۰۰).

تعویق ازدواج می‌تواند باعث شروع فعالیت جنسی خارج از ازدواج و رفتارهای پرخطر شود (ساندارام^۲، ۲۰۰۵)؛ که تبعات زیادی برای فرد و جامعه خواهد داشت. همچنین با توجه به ساختار فرهنگی جامعه و اهمیت ازدواج از نظر دینی و فرهنگی نزد خانواده‌ها، افزایش سن ازدواج و

1. Stein
2. Sundaram

باقی‌ماندن در مجرد می‌تواند پیامدهای فردی و اجتماعی از جمله مشکلات جسمی و روحی، هراس از آینده، تعارض بین هویت سنتی و مدرن، طرد اجتماعی، مورد تبعیض قرار گرفتن و داغ‌خوردگی ناشی از مجرد داشته باشد (قانع عزآبادی و دیگران، ۱۳۹۳؛ فرضی زاده، ۱۳۹۳؛ علیرضائزاد و دیگران، ۱۳۹۱؛ سفیری و شهانواز، ۱۳۹۴؛ جواهری و هلالی، ۱۳۹۵).

با در نظر گرفتن آمار و اطلاعات موجود از وضعیت مجرد و همچنین با نگاهی به نظریات و مطالعات حوزه مجرد می‌توان به اهمیت این مسئله پی برد. بر این اساس با بررسی وضعیت موجود مجرد در کشور و شناخت عوامل و مؤلفه‌های اثرگذار بر آن می‌توان به درک مناسبی از وضعیت مجرد و همچنین عوامل مؤثر بر آینده مجرد رسید. بدیهی است با ترسیم و پیش‌بینی عوامل تأثیرگذار بر مسئله مجرد در آینده می‌توان در راستای اصلاح و ترمیم ساختارهای مولد این مسئله برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داد.

۲. پیشینه تجربی

به واسطه تحولات در ساختارها و هنجارهای اجتماعی از جمله نهاد خانواده و ازدواج، مسئله مجرد و تأخیر در ازدواج توجه محققان و پژوهشگران اجتماعی را به خود جلب کرده است. بررسی پیشینه مطالعات و تحقیقات در این باره نشان می‌دهد به مسئله مجرد در سال‌های اخیر در کشور توجه زیادی شده است. گرچه در کشورهای دیگر به این مسئله بسیار زودتر پرداخته‌اند.

پرهوده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به «گرایش دانشجویان مرد ۲۶ سال به بالا به مجرد نسبی و عوامل مؤثر بر آن» پرداخته‌اند. آنها با بررسی دانشجویان مرد ۲۶ سال به بالای دانشگاه آزادشهر اسلام‌آباد غرب درصد پاسخ به این سؤال بودند که چرا با وجود بالارفتن سن افراد مطالعه‌شده از میانگین سن ازدواج معمول در استان گرایش به مجرد دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای سن، بی‌اعتمادی به جنس مخالف و همچنین تماس با جنس مخالف از عوامل مؤثر بر گرایش به مجرد مردان است.

شهانواز و آزاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «فرا ترکیب مطالعات مجرد در ایران، با استفاده از روش فرا ترکیب» به بررسی مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر مجرد پرداختند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، عوامل اقتصادی، ساختاری، اجتماعی- فرهنگی و فردی از ابعاد کلان تأثیرگذار بر مجرد در کشور هستند. یافته‌ها اهمیت و تأثیرگذاری بالای ابعاد فرهنگی- اجتماعی بر مجرد در ایران را نشان می‌دهد.

شکوری، نقدی، امامعلی زاده و نقدی (۱۳۹۷) در پژوهشی به «عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان» پرداختند. نتایج این پژوهش که با

استفاده از روش پیمایش انجام شد نشان می‌دهد که متغیرهای عدم تمکن مالی، دشواری ازدواج، نگرانی از ازدواج ناموفق، اعتقاد به هزینه بالای ازدواج، لذت از مجردی، معاشرت با جنس مخالف، انتظارات آرمان‌گرایانه از ازدواج از عوامل مؤثر بر مجرد افراد مطالعه‌شده است.

کاوه فیروز و صارم (۱۳۹۵) در پژوهشی به «بررسی تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد به ازدواج» پرداخته‌اند. این مطالعه در بین شاغلان دانشگاه شیراز به روش پیمایش در نمونه ۳۴۵ نفری انجام شد. در این تحقیق ذکر شد که با تغییرات ناشی از مدرنیزاسیون و تغییرات در دایره و مصرف فرهنگی افراد، تغییراتی در نگرش به ازدواج شکل گرفته است. همچنین الگوهای جدید ارتباطات اجتماعی با ایجاد شبکه‌های ارتباطی جدید و نظام‌های ارزشی نوین و همچنین بازتعریف هویت تغییرات فراوانی در ازدواج پدید آورده‌اند. مدیریت بدن که متأثر از تغییرات ساختاری و هنجاری ناشی از مدرنیزاسیون است، نیز بر ازدواج اثرگذار است. موقعیت اقتصادی و اجتماعی و امکان بالارفتن در پایگاه اجتماعی با سبک زندگی فردگرایانه از دیگر عوامل مؤثر بر سن ازدواج است.

التجایی و عزیززاده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران»، دریافتند که عوامل اقتصادی مانند تورم و بیکاری تأثیر زیادی بر افزایش سن ازدواج مردان و زنان در ایران دارند.

موسائی و فندرسی (۱۳۹۵) در تحقیق خود به بررسی «تأثیر سرمایه اقتصادی بر وضعیت تأهل» پرداخته‌اند. تحقیق بر روی زنان و مردان مجرد و متأهل انجام شده است و نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که افزایش سرمایه اقتصادی به‌ویژه در میان زنان احتمال ازدواج را کاهش داده و مجرد را افزایش می‌دهد.

عباس‌زاده و نیکدل (۱۳۹۵) در مطالعه «بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی» به بررسی زمینه‌ها و شرایط به تاخیرافتادن سن ازدواج دختران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق به این نکته اشاره دارد که تغییر سبک زندگی و اولویت‌دادن به تحصیلات، شغل و استقلال اقتصادی و تغییر نگرش به ازدواج، انتخاب همسر را دچار تحولات بنیادین کرده است. گرچه همه این تغییرات زمینه ایجاد تعارضات هویتی و اعتقادی را فراهم می‌آورد و این تعارضات افزایش سن ازدواج را بازتولید می‌کند.

فخرایی و پورتنقی (۱۳۹۴) در پژوهشی به «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان» پرداخته‌اند. نتایج پژوهش تأثیر عواملی چون تمایل به ادامه تحصیل، مشکل‌پسندی جوانان، اشتغال دختران، مشکلات شغل و بیکاری پسران، تمایل به زندگی مجردی بر افزایش سن ازدواج را نشان می‌دهد.

حسینی (۱۳۹۲) به «بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر مزیقت ازدواج و مجرد دختران» پرداخته است. او با بررسی آمار و اسناد، علل مؤثر و پیامدهای بالارفتن سن ازدواج را در دهه ۷۰ به این سو بررسی کرده است. براساس این پژوهش مواردی مانند گرایش به استقلال اقتصادی، فشار برای ورود به دانشگاه و بازار کار، گسترش روابط نامتعارف، گرایش به جرم و سوءمصرف مواد، بی‌هویتی و بروز اختلالات روانی از پیامدهای مجرد دختران ذکر شده است.

مرادی و صفاریان (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی «عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان» پرداخته است و نتیجه پژوهش عواملی مانند سخت‌گیری والدین، بالابودن توقعات زوجین، ادامه تحصیل و کسب شغل، اعتقاد به زندگی آزاد، مشکلات مهریه، اشتغال و بیکاری، تغییر ملاک ازدواج، اهمیت تحصیلات و مسئولیت تسهیل‌گرانه دولت را به عنوان عوامل افزایش سن ازدواج جوانان نشان داده است.

حبیب‌پور گتایی و غفاری (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «علل افزایش سن ازدواج دختران» دریافتند که نگرش فرامادی به ازدواج، امکان تحصیلات بالاتر برای دختران و بالابودن هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته ناشی از ازدواج از جمله عوامل مؤثر بر مجرد و افزایش سن ازدواج هستند. براساس نتایج این تحقیق تجربه مدرنیته در سطوح مختلف بدون وجود برنامه‌ریزی مناسب و آمادگی جامعه از لحاظ اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی، تبعات منفی به نسبت دستاوردهای مثبت آن خواهد داشت.

کاظمی‌پور (۱۳۸۳) در پژوهشی به بررسی «تحول سن ازدواج زنان در ایران» می‌پردازد. این پژوهش تأکید بر عوامل جمعیتی مؤثر بر تغییرات سن ازدواج دارد. تحلیل‌های انجام‌گرفته در این پژوهش نشان از تحول چشمگیر در سن ازدواج در دوره نزدیک به چهار دهه هست. در بازه زمانی پژوهش که چهار دهه از آغاز سال ۱۳۴۵ را در بر می‌گیرد، ۵ سال بر متوسط سن ازدواج زنان افزوده شده است. ورود مدرنیزاسیون و تغییرات ساختاری و هنجاری متقاعب آن در مناطق مختلف کشور تأثیر بسیار زیادی بر سن ازدواج داشته است.

محمودیان (۱۳۸۳) در پژوهشی دیگر با عنوان «سن ازدواج در حال افزایش» به بررسی عوامل مؤثر بر این مسئله پرداخته است. بر اساس نتایج تحصیلات بالاتر، شهرنشینی، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواج آزاد، برابری جنسیتی بیشتر و نسبت خویشاوندی دورتر زوجین عواملی بودند که اثر مستقیمی بر افزایش سن ازدواج داشتند. تحصیلات بالاتر برای دستیابی به مشاغل حرفه‌ای دلخواه و همچنین اثر شهرنشینی بر افزایش سن مردان و گسترش تحصیلات و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی بر افزایش سن زنان مؤثر بوده است.

سلیمان و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند عواملی مانند عدم توجه والدین، نگرش منفی والدین درباره آموزش دختران، و بی‌سوادی پدر و مادر باعث شده است تا دختران برای ازدواج آموزش نیابند و تأخیر در ازدواج به وجود بیاید.

لاهاد (۲۰۱۳) در پژوهشی با موضوع «تجرد انتخابی زنان به عنوان یک مسئله اجتماعی جدید» به بررسی مسئله تجرد زنان پرداخته است. به عقیده وی هدف اصلی مطالعه بررسی و تجزیه و تحلیل برچسب‌گزینش‌شونده است که جامعه بر زنان مجرد دارد و تأثیر گزینش‌شوندگی بر امکانات و محدودیت‌هایی که در خودشکوفایی زنان ایجاد می‌کند. در واقع تحلیل متن نشان داد که در طول زمان زنان مجرد حق خود را برای حفظ موضع انتخاب‌کننده‌شان از دست داده‌اند.

وایو^۱ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به «بررسی تعیین‌کننده‌های سن ازدواج در ویتنام» پرداخته است. براساس نتایج در بازه زمانی مطالعه‌شده (سال ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۲) سن ازدواج روند افزایش داشته است. متغیرهایی مانند تحصیلات، نوع محل سکونت (روستا یا شهر)، ثروت، سن، منطقه و نژاد به شدت بر سن ازدواج تأثیرگذار بوده است.

برگ‌کراس و همکاران (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای با عنوان «زنان حرفه‌ای تنها: یک پدیده جهانی، چالش‌ها و فرصت‌ها» به بررسی وضعیت زنان مجرد حرفه‌ای در جهان پرداختند. عوامل اقتصادی و نیازهای روان‌شناختی این افراد مطالعه شده است و استراتژی‌های ممکن برای پاسخگویی به نیازها، تطابق با نیازها و ارتقای موقعیت بررسی شده است.

دلاریکا و ایزا^۲ (۲۰۰۳) به «بررسی و مطالعه درباره تأخیر سن ازدواج در اسپانیا» پرداختند. براساس این تحقیق تغییرات در شرایط زندگی بر اثر ازدواج (مانند ناتمام ماندن تحصیلات، تولد فرزند و پرداخت هزینه‌های مادی برای پرورش فرزند) باعث تعویق در ازدواج و تشکیل خانواده شده است.

بایرن (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «توسعه مدل جامعه‌شناختی برای پژوهش درباره خود و هویت‌های اجتماعی زنان» به بحث تجرد پرداخت. این پژوهش نشان داد که دختران مجرد هرگز ازدواج نکرده برخوردارهای تبعیض آمیزتری را در حوزه‌های غیررسمی نسبت به مردان مجرد تجربه کرده‌اند. همچنین دختران مجرد تجربه تعرض و توهین بیشتری در عرصه عمومی و سطوح پایین احترام اجتماعی را نسبت به زنان متأهل داشته‌اند.

با بررسی مطالعات می‌توان نتیجه گرفت: تحقیقات مختلفی درباره تجرد در کشورهای مختلف انجام گرفته است؛ اما این مسئله به شدت به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع

1. Vu
2. De la Rica & Iza

وابسته است. در هر جامعه با توجه به فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی آن جامعه باید به ابعاد مختلف مسئله تجرد پرداخته شود. در کشور ما نیز در سال‌های اخیر به دنبال تغییرات در ساختارهای اجتماعی و پدیدارشدن مسئله تجرد و تأخیر در ازدواج، تحقیقات مختلفی با نگاه کمی و کیفی به مسئله افزایش سن ازدواج و تجرد پرداخته‌اند. دسته‌ای از تحقیقات بر عوامل مختلف مؤثر بر تجرد تأکید داشته‌اند. گروه دیگر تحقیقات به پیامدها و آسیب‌های ناشی از تجرد و تأخیر در سن ازدواج پرداخته‌اند. مطالعات انجام‌شده درباره تجرد یا از زبان خود افراد مجرد به بررسی موضوع پرداخته است و یا از نظر آماری و با توجه به داده‌ها موضوع را تحلیل کرده‌اند. در مطالعات موجود نظر کارشناسان و متخصصان حوزه خانواده اخذ نشده است. هدف این تحقیق این است که همه متغیرهای مؤثر بر تجرد در ایران را بررسی و تجزیه و تحلیل کند تا بتواند به متغیرهای کلیدی (پیش‌ران‌ها) تجرد دست یابد. به این منظور از روش تحلیل ساختاری (تحلیل اثرات متقابل) استفاده می‌شود. این روش تفاوت اساسی با روش‌های کمی و کیفی استفاده‌شده در تحقیقات جاری دارد. با استفاده از این روش می‌توان با اتکا به نظر متخصصان و صاحب‌نظران، به ترکیب و جمع‌بندی همه عوامل مؤثر بر تجرد دست یافت. همچنین تفاوت دیگری که در روش این تحقیق وجود دارد شناسایی روابط متقابل بین متغیرها است. در همه تحقیقات انجام‌شده متغیرها به تنهایی بررسی شده‌اند اما در تحقیق حاضر همه عوامل کلیدی از لحاظ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر یکدیگر به صورت متناظر بررسی شده‌اند. براین اساس ارتباطات متقابل بین متغیرهای مؤثر بر تجرد با استفاده از نظرات متخصصان در قالب ماتریس اثرات متقابل تحلیل شده است و از دل آنها پیش‌ران‌های اصلی تجرد در کشور استخراج شده‌اند.

۳. مبانی نظری

تغییرات ساختاری خانواده در نظریه نوسازی با تأکید بر مجموعه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه دیده می‌شود. این تغییرات اغلب به واسطه رشد صنعت، شهرنشینی، آموزش، درآمد و مصرف، حمل و نقل و ارتباطات و اشکال متعدد فناوری‌های جدیدتر تبیین می‌شود (جایا کودی^۱، ۲۰۰۷: ۴). دانیل لرنر از پیشکسوتان نظریه نوسازی، رشد مراکز شهری جدید به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه را عامل رشد و تقویت‌کننده احساس فردگرایی و تضعیف‌کننده سنت می‌داند. نیازهای زندگی جدید مانند نیازهای حرفه‌ای باعث شده است مردم به ویژگی‌های خاص نوگرایی مانند باسوادی و آموزش سوق یابند. با تخصصی‌شدن زندگی

1. Jayakody
2. Westoff
3. Weeks

فردگرایی از جهات بسیاری گسترش می‌یابد (غفاری، ۱۳۸۵: ۲۷۸). فردگرایی باعث می‌شود فرد از خانواده و دوستان جدا شود و نوع معینی از جامعه تشکیل شود؛ که احترام اندکی برای سنت‌ها قائل است. در فرآیند نوسازی دغدغه‌های شخصی بر مصلحت‌های جمعی برتری یافته است و فردمحوری جانشین خانواده‌محوری می‌شود. به موازات این تحولات انطباق‌پذیری در الگوهای ازدواج و خانواده با شرایط جدید صورت می‌گیرد. وستوف^۲ بر این نظر است که تحولات نهادهای ازدواج و خانواده، نشانه و نمادی از تغییرات اجتماعی است (ویکز^۳، ۲۰۰۲: ۴۱۶).

به عقیده ویلیام گود زمانی که دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان (مانند صنعتی‌شدن، شهرنشینی و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی) رخ دهد، سازمان‌های سطوح خرد همانند خانواده نیز با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق می‌یابند (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۷). گی روشه درباره دگرگونی خانواده‌ها این‌گونه استدلال می‌کند که در دنیای جدید روابط در خانواده از حالت اجباری به اختیاری تغییر می‌کند و قدرت روابط ضعیف می‌شود. همراه با تغییرات در ساختار خانواده‌ها، پایگاه زنان دچار تغییر می‌شود. زنان با توجه به شرایط جدید امکان یافتن شغل خارج از منزل را به دست می‌آوردند و محیط اجتماعی به آزادی آنها قبل و در حین ازدواج کمک می‌کند. جوانان که به دنبال استقلال مالی و آموزش بیشتر هستند آزادی عمل بیشتری می‌یابند (روش، ۱۳۸۵: ۱۷۴-۱۶۵).

در جامعه صنعتی به دلیل فردگرایی موجود در جامعه، الگوی خانواده هسته‌ای است. با کوچک‌شدن خانواده، شغل اهمیت یافته است و منبع اصلی هویت فردی می‌شود. هویت در جامعه جدید برخلاف جامعه ماقبل صنعتی، که براساس عضویت در خانواده معنا می‌یافت، براساس کار معنا می‌یابد. در خانواده جدید، الگوی سنتی انتخاب همسر دچار تغییرات فراوانی شده است (غفاری، ۱۳۸۵: ۲۸۲). همچنین با ورود مدرنیسم نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر یافته است و الزامات دوجانبه بین زوجها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آنها و در نتیجه انطباق خانواده با شرایط زندگی مدرن به وجود می‌آید. وقتی که چنین سیستمی از خانواده شکل می‌گیرد و زنان نقش بیشتری در فعالیت‌های خارج از خانه می‌یابند، تغییر الگوی عمومی سن ازدواج قابل انتظار است (کنعانی، ۱۳۸۵).

براساس نظریه بی‌سازمانی مرتن، ازدواج زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های وصول به آنها را تعیین کند تا جامعه به انسجام برسد و تداوم یابد. همان‌طور که در رویکرد مرتن مشخص است هرگاه اهداف و وسایل در جامعه هماهنگ باشند، به‌طور مثال هر دو کنش وسایل و اهداف سنتی را دنبال کنند و یا هر دو عقلانی- حقوقی باشند آن جامعه دارای انسجام بوده است و مشکلی نخواهد داشت. اما اگر اهداف ارزشی یا عاطفی باشند

ولی وسایل تحقق آنها عقلانی باشد، جامعه دچار عدم تعادل و انسجام می‌شود. پدیده تأخیر در سن ازدواج از این دست مقولات است. از یک‌سو شرایط خانوادگی و اجتماعی ازدواج را به عنوان هدفی ارزشی، عاطفی و حتی سنتی مطرح می‌کنند، از سوی دیگر راه‌ها و امکانات (وسایل رسیدن به اهداف) عقلانی است و این امر باعث ناهماهنگی می‌شود. جامعه با تأکید بر اهداف ارزشی و هنجاری و در نظرنگرفتن امکانات لازم به این هدف، شرایط نابسامانی را ایجاد می‌کند. گسست میان اهداف و راه‌های رسیدن به آن اهداف، اجتماع را دچار بی‌سامانی کرده است و در نتیجه آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی به دنبال خواهد داشت (تنهایی، ۱۳۸۲: ۷۶).

گیدنز^۱ معتقد است در دنیای مدرن، انتخاب سبک زندگی با هویت شخصی ارتباط دارد، گرچه در فرهنگ سنتی شیوه زندگی چندان کاربردی نداشته است. اما امروزه شیوه زندگی به صورت عملکرد روزمره در می‌آید. فرد با تنوع انتخاب‌های ممکن مواجه می‌شود، که باید از میان آنها دست به‌گزینش بزند. تصمیمات روزانه درباره نحوه پوشش، خوراک، کار، و فراغت چگونگی هویت شخص را به نمایش می‌گذارد. هر چه فرد بیشتر در دنیای مابعد سنتی قرار داشته باشد انتخاب سبک و شیوه زندگی به هویت شخصی واقعی فرد نزدیک‌تر خواهد بود. این مسئله در فرهنگ‌های سنتی با انتخاب‌های محدود کاربردی ندارد (گیدنز، ۱۳۹۴: ۱۲۰). از نظر گیدنز، ازدواج در گذشته نوعی قرارداد بود؛ که اغلب به ابتکار والدین یا خویشاوندان صورت می‌گرفت. این قرارداد تا حد زیادی تحت تأثیر ملاحظات اقتصادی قرار داشت و بخشی از دادوستدها و شبکه‌های اقتصادی وسیع را شکل می‌داد. به نظر او، گرچه برخی از مختصات سنتی ازدواج همچنان پابرجا است ولی در کل در جوامع مدرن این الزام‌های بیرونی و از پیش تعیین‌شده در حال ریشه‌کن شدن است. پدیده‌ای که با ظهور عشق و علاقه‌های رمانتیک به عنوان انگیزه ازدواج همراه بود. براین اساس ازدواج به صورت رابطه‌ای درآمدی است که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی خاص از همزیستی با همسر به دست می‌آید (همان: ۱۳۱-۱۳۲).

هابرماس براین باور است که گسترش فضاهای عمومی، امکان تعامل با قدرت برابر را به کنشگران عقلانی می‌دهد. مدرنیته با گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی، افزایش فضاهای ارتباطی و سکولارشدن، تغییر در ارزش‌های اجتماعی، برتری ارزش‌های فردگرایانه و تنوع روزافزون سبک زندگی باعث فاصله از رفتارهای مبتنی بر مذهب و سنت شده است. به دنبال این تغییرات، ذره‌ای شدن خانواده، از بین‌رفتن جایگاه مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی باعث

1. Anthony Giddens

شکل‌گیری الگوهای جدیدی از روابط بین دو جنس خواهد شد (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲).

جنکینز^۱، منزلت یک فرد را مجموع همه منزلت‌های فرد می‌داند و به‌این‌ترتیب هویت فردی، همانند تصویری چهل‌تکه از هویت‌های جمعی است. منزلت غالب، منزلتی است که سایر هویت‌های فرد را تابع خود کند (جنکینز، ۱۳۹۴: ۲۶۰). در جوامع سنتی، منزلت جوانان اعم از زنان براساس هویت زن خانه‌دار و همسر و مادر تعریف می‌شد. مردان نیز منزلت خود را پس از ازدواج و تشکیل زندگی مجزا می‌یافتند. اما در جوامع مدرن، به‌ویژه در شهرها، با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی، این امر دچار تغییر شده است. جوانان می‌توانند بدون ازدواج و با استفاده از امکانات تحصیل و اشتغال، استقلال هویتی خود را به دست آورند. از سوی دیگر جهانی‌شدن تأثیرات فراوانی در نهادهای اجتماعی مانند نهاد خانواده داشته است. از تأثیرات اساسی جهانی‌شدن در نهاد خانواده، تغییر نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین‌شده اعضای خانواده است. نقش‌های محول در ازدواج سنتی، مردان را به‌عنوان نان‌آور خانواده و حضور در فضای خارج از خانه و زنان را به‌عنوان مسئول کارهای خانگی معرفی می‌کرد. این تقسیم‌بندی امروزه تغییر یافته است. مرزهای تقسیم‌کار سنتی بر مبنای جنسیت، با افزایش سطح آموزش زنان و حضور آنان در جایگاه‌های شغلی که پیش از این در انحصار مردان بود و همچنین با افزایش مشارکت مردان در امور خانگی به‌تدریج شکسته می‌شود. به‌این‌ترتیب با حضور گسترده زنان در زندگی اجتماعی، تنزل جایگاه ازدواج در شکل سنتی و جایگزینی نقش‌های اکتسابی به جای نقش‌های محول برای زنان و کاهش تأثیر ازدواج در هویت‌یابی افراد را می‌توان از آثار جهانی‌شدن دانست (تافلر، ۱۳۷۰: ۳۰۸-۲۸۸).

وسایل ارتباط جمعی یکی از ابزارهای جهانی‌شدن باعث نزدیکی سلیقه‌ها، خواسته‌ها و انتظارات همه ساکنان یک جامعه شده است. با ورود وسایل ارتباط جمعی به جامعه، خرده‌فرهنگ‌ها، فرهنگ‌های خاص و مجزا ناپدید می‌شوند و به نوعی ساکنان یک جامعه شبیه می‌شوند و در سبک زندگی، علایق و خواسته‌ها از الگوهای مشابهی که وسایل ارتباط جمعی به آنها می‌دهند بهره می‌برند (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۸۳-۹۵). از نظر گیدنز رسانه‌ها امکان بازاندیشی در سنت‌ها را فراهم می‌کنند. او بیان می‌کند که داده‌های منتشرشده از رسانه‌ها تنها بازتابی از جهان اجتماعی نیست، بلکه عامل مؤثر در شکل‌دهی به جهان اجتماعی است. به عقیده او رسانه‌ها در بازاندیشی مدرن نقش اساس دارند (گیدنز، ۱۳۹۰: ۴۵). باندورا در نظریه یادگیری به تأثیر رسانه‌های ارتباطی بر رفتار افراد انسانی تأکید می‌کند. از نظر باندورا در زندگی روزمره

1. Richard Jenkins

بسیاری از آموزه‌های ما از طریق رسانه‌های جمعی به دست می‌آید. رسانه‌های جمعی الگوهای رفتاری و فکری جدید را به بسیاری از مردم منتقل می‌کنند (تن، ۱۳۸۸: ۲۴۶). بدین ترتیب الگوهای هنجاری و رفتاری افراد، مانند تشکیل خانواده و ازدواج نیز می‌تواند متأثر رسانه‌ها باشد. نهضت طرفداری از حقوق زنان و گفتمان‌های منشعب از آن نیز از جمله گرایش‌هایی بود که به تغییر نگرش نسبت به ازدواج منجر شد. نظریات مرتبط با این حوزه از دهه ۱۸۰۰ میلادی تا به امروز در سه موج اول، دوم و سوم گسترش و رواج یافته است و به اشکال مختلف نابرابری جنسیتی را به چالش کشیده است. آرا و نظرات این گفتمان زنان را به بهره‌مندی از رشد اجتماعی، انتخاب آزادانه شیوه زندگی متناسب با نیازها، انتظارات و انگیزه‌های شخصی‌شان تشویق می‌کند (جوهری و ستوده هلالی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

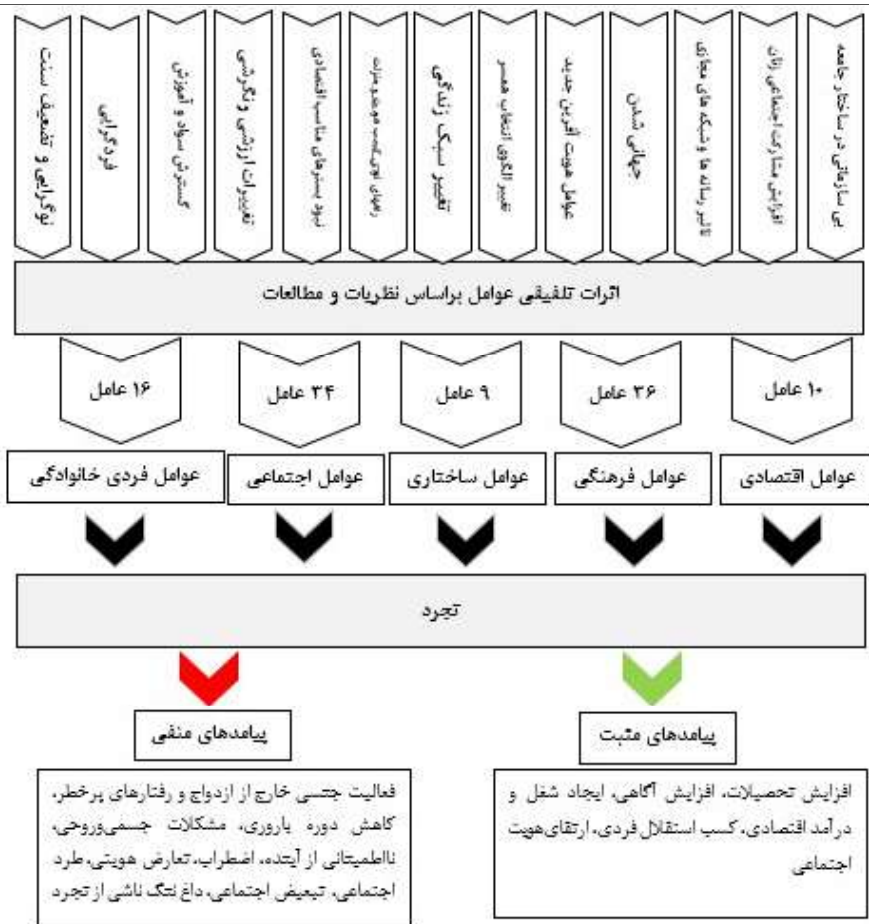
از نظر بورديو خانواده مهم‌ترین مکان انباشت و انتقال سرمایه است. بر این اساس، تغییر و تفاوت بین نسلی خانواده‌ها در ایران ناشی از رقابت بر سر دستیابی به انواع سرمایه در میدان‌ها و عرصه‌های مختلف اجتماعی است. جوانان برای رسیدن به تحصیلات و مدارج علمی تلاش می‌کنند؛ به‌خصوص زنان که راه دستیابی به سرمایه فرهنگی و تغییر سلسله‌مراتب قدرت در خانواده را افزایش آگاهی و کسب مدارک دانشگاهی می‌دانند. دستیابی به آگاهی و تحصیلات بالا و به‌تبع آن افزایش فرصت‌های شغلی موجود، باعث ایجاد تغییرات ارزشی در خانواده‌ها شده است. از پیامدهای این تغییر ارزشی و تغییر و بالا رفتن سن ازدواج است (سرای و اجاقلو، ۱۳۹۲: ۲۶).

باقی‌ماندن افراد در مجرد می‌تواند پیامدهای منفی نیز برای افراد داشته باشد. یکی از این پیامدها طرد اجتماعی است. طرد، ابزار اولیه‌ای است که با آن گروه مسلط، افراد تحت سلطه را از قدرت محروم می‌کنند. در واقع طرد استراتژی‌هایی است که گروه‌ها برای جدا کردن بیگانه‌ها از خودشان و ممانعت از دسترسی آنها به منابع ارزشمند به کار می‌گیرند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). همه گروه‌های طردشده تفاوتی را احساس می‌کنند. منشأ این تفاوت در ارزش‌های خلاف عقیده عموم است. با این ارزش‌های متفاوت است که این گروه‌ها طرد می‌شوند، چه خودشان از دنیایی که با آن متفاوت‌اند جدا شوند و چه دیگران آنها را طرد کنند (زیبرا، ۱۳۸۵: ۱۳). بر این اساس افراد مجرد به دلیل تفاوت با دنیای اجتماعی طرد را تجربه می‌کنند. زیرا عقیده عمومی ازدواج را ارزشی طبیعی و پذیرفته‌شده می‌داند و کسی که مجرد است خلاف هنجارهای جامعه عمل می‌کند و کنار گذاشته می‌شود. همچنین داغ ننگ نیز از پیامدهای دیگر مجرد است. اصطلاح داغ ننگ برای اشاره به ویژگی یا صفتی به کار می‌رود که به‌شدت بدنام‌کننده و ننگ‌آور است. اما قدرت داغ‌زنی یک صفت نه در ذات خود، بلکه در روابط

اجتماعی ریشه دارد. در واقع، صفتی که داغ ننگ، بر پیشانی فرد دارای آن صفت می‌زند، می‌تواند به فرد دیگر برای عادی جلوه‌دادن کمک کند. (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۲).

بر اساس همه نظریات مطرح‌شده می‌توان الگوی مفهومی برای درک پدیده مجرد ترسیم کرد. نوسازی با رشد شهرنشینی، صنعتی‌شدن، و جهانی‌شدن دگرگونی‌های اساسی در نهادهای اجتماعی از جمله خانواده ایجاد کرده است. الگوی خانواده به شکل هسته‌ای درآمد و فردگرایی در دنیای مدرن رواج یافته است. همراه‌شدن نوسازی و گسترش آموزش با جهانی‌شدن و تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شیوه‌های نوین هویت‌یابی را تشویق و ممکن کرده است. تغییرات فرهنگی مانند تغییر نقش‌های جنسیتی، نگرش اقتدار، هنجار جنسیتی، کاهش میزان باروری، تغییر نگرش و معیارهای ازدواج در پی تحولات بنیادین اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد. اولویت استقلال فردی و هویت‌یابی نوین، تغییر سبک زندگی و گسترش معیارهای نوین انتخاب همسر، پیامدی مانند تغییر در الگوی سن ازدواج را به همراه دارد. همه این عوامل وقتی در کنار فراهم‌نبودن امکانات و وسایل لازم برای ازدواج از طرف جامعه قرار می‌گیرد، پدیده مجرد را تشدید می‌کند. با توجه به کارکردهای ازدواج و تشکیل خانواده، کاهش میزان ازدواج و باقی‌ماندن در مجرد می‌تواند پیامدهای فراوانی در سطح اجتماعی و فردی داشته باشد. تأخیر در ازدواج می‌تواند به شکل مثبت باعث افزایش تحصیلات، افزایش آگاهی، ایجاد درآمد اقتصادی و کسب استقلال فردی و ارتقای هویت اجتماعی فرد شود؛ اما پیامدهای منفی نیز با خود به همراه دارد. از جمله این پیامدها، می‌توان به شروع فعالیت جنسی خارج از ازدواج و رفتارهای پرخطر، کاهش دوره باروری و میزان باروری اشاره کرد. همچنین مسائل فردی و اجتماعی مانند مشکلات جسمی و روحی، هراس از آینده، اضطراب، تعارض هویتی، طرد اجتماعی و انواع تبعیض اجتماعی و داغ ننگ ناشی از مجرد از جمله این پیامدها است (شکل ۱).

شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌های مؤثر بر مجرد در ایران



۶

شکل ۱. مدل مفهومی از الگوی نظری و تجربی

ع. روش‌شناسی

هدف تحقیق حاضر شناسایی پیش‌ران‌های مؤثر بر مجرد است. بر این اساس در پژوهش حاضر از ترکیبی از روش‌های دلفی و تحلیل ماتریس اثرات متقابل استفاده می‌شود. گردآوری داده‌ها برای بررسی پیش‌ران‌های مجرد در این پژوهش از طریق روش اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه و پرسشنامه انجام شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل اثرات متقابل^۱ و نرم‌افزار میک مک^۲ به شکل ترکیبی استفاده شده است. روش تحلیل اثرات متقابل را

1. Cross impact analysis

2. Mic Mac

گوردون و هلمر^۱ ابداع کرده‌اند و براین سؤال استوار است که آیا پیش‌بینی آینده می‌تواند مبتنی بر درک چگونگی اثرات حوادث آینده باشد (گوردون، ۲۰۰۸: ۱). در تکنیک تحلیل اثرات متقابل، رویدادها، حوادث و روندها همانند متغیرهای مستقل در نظر گرفته می‌شود و از طریق بررسی دوبه‌دو متغیرهای مؤثر یا پیش‌ران در ردیف و ستون احتمالات مختلف پدیده در آینده ترسیم می‌شود (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۹۴، به نقل از لطفیان، ۱۳۸۴). این روش به دنبال دستیابی به متغیرهای کلیدی آشکار یا پنهان به منظور دریافت نظرها و تشویق مشارکت‌کنندگان و ذی‌نفعان دربارهٔ جوانب و رفتارهای پیچیده و غیرقابل‌پیش‌بینی یک سیستم است (زالی و منصوری، ۱۳۹۵).

گوردون برای تحلیل اثرات متقابل روشی رایانه‌ای مطرح کرد. در این روش، رویدادها روی یک ماتریس متعامد ثبت می‌شود و در هر تقاطع ماتریسی این پرسش مطرح است که اگر رویدادهای موجود در یک ردیف هم‌زمان رخ می‌داد، این رویدادها چگونه بر احتمال وقوع رویدادهای دیگر در ستون تأثیرگذار بودند. در ارزیابی این تکنیک از روش‌های مختلف ساخت، تجهیز و ارزیابی ماتریس‌های اثرات متقابل استفاده شده است (رهبر و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). احتمال وقوع اولیه روندها، ارزش روندها و میزان تأثیر میان متغیرها از طریق پرسشنامه‌های دلفی یا مصاحبه با کارشناسان به دست می‌آید. هنگامی که الگوی تأثیر متقابل جمع‌آوری شد، چند بار اجرا می‌شود تا کارکرد برنامه رایانه‌ای مربوط به آن سنجیده شود (بهشتی و زالی، ۱۳۹۰). نرم‌افزار میک مک برای محاسبات سنگین ماتریس اثرات متقاطع طراحی شده است. روش این نرم‌افزار این‌گونه است که ابتدا متغیرها و مؤلفه‌های مهم در حوزه مورد نظر شناسایی و سپس در ماتریسی مانند ماتریس تحلیل اثرات وارد می‌شود. میزان ارتباط میان این متغیرها با حوزه مربوط را خبرگان تشخیص می‌دهند. متغیرهای موجود در سطرها ماتریس بر متغیرهای موجود در ستون تأثیر می‌گذارند؛ بدین ترتیب متغیرهای سطرها، تأثیرگذار و متغیرهای ستون‌ها تأثیرپذیرند^۲ (گودت^۳، ۲۰۰۶: ۶۱).

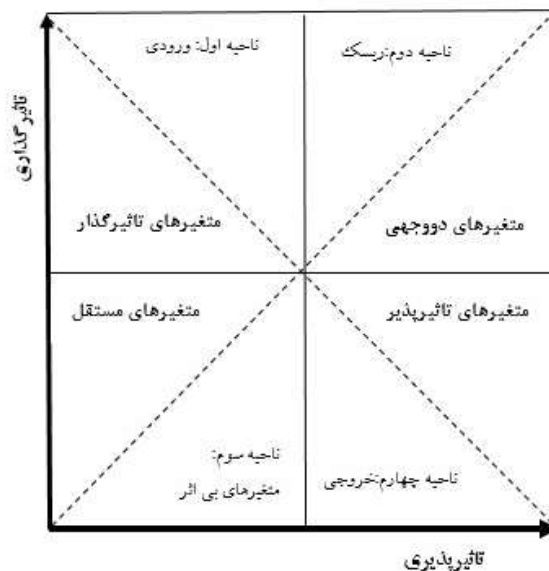
در ماتریس اثرات متقابل با استفاده از نرم‌افزار میک مک شش مرحله باید انجام شود. درک سیستمی و مشاهده پایداری یا عدم پایداری سیستم، شناسایی تأثیرات غیرمستقیم متغیرها،

1. Theodor Gordon & Helmer

۲. ارتباط متغیرها با اعداد صفر تا سه سنجیده می‌شود. عدد صفر نشان‌دهنده «عدم تأثیر»، عدد یک نشان‌دهنده «تأثیر ضعیف»، عدد دو نشان‌دهنده «تأثیر متوسط»، عدد سه نشان‌دهنده «تأثیر زیاد» و عدد P نشان‌دهنده وجود «رابطه بالقوه» بین متغیرهاست. اگر تعداد متغیرهای شناسایی شده را N متغیر در نظر بگیریم، یک ماتریس $N*N$ از روابط بین متغیرها به دست می‌آید (زالی و منصوری، ۱۳۹۵: ۱۰).

3. Godet

شناسایی عوامل و پیش‌ران‌های اصلی، درک کلی از سیستم و پرهیز از تحلیل جزئی، شناسایی عوامل ناپایدارکننده سیستم و شناسایی محیط به‌واسطهٔ سنجش اثرگذاری مراحل اصلی آن (زالی و منصوری بیرجندی، ۱۳۹۵؛ زالی، ۱۳۹۲). تحلیل تأثیر متقابل متغیرها بر یکدیگر از طریق نمودار و در نواحی مختلف مختصات بررسی می‌شود. در تحلیل اثرات متغیرها بر یکدیگر چهار ناحیه در نمودار مشخص شده است؛ که هر کدام میزان اثرگذاری و اثرپذیری پیش‌ران‌ها را بر یکدیگر نشان می‌دهند. در شکل ۲ تقسیم‌بندی نواحی در نمودار برحسب نوع تأثیر متغیرها مشخص شده است.



شکل ۲. روابط بین پیش‌ران‌های اصلی در قالب تأثیرپذیری و تأثیرگذاری
منبع: گودت، ۲۰۰۶

نحوهٔ توزیع پیش‌ران‌ها در صفحهٔ پراکندگی، پایداری یا ناپایداری سیستم را نشان می‌دهد. شناسایی نحوهٔ توزیع و پراکندگی پیش‌ران‌ها بر چگونگی تحلیل آنها مؤثر است (گودت، ۲۰۰۶: ۱۸۹). در سیستم پایدار، در کل سه نوع متغیر قابل تشخیص است:

- عوامل کلیدی یا متغیرهای بسیار تأثیرگذار بر سیستم؛
- متغیرهای مستقل؛
- متغیرهای خروجی سیستم یا متغیرهای نتیجه.

در این سیستم، جایگاه هر یک از عوامل کاملاً مشخص و نقش آن نیز به وضوح قابل مشاهده است. در سیستم‌های ناپایدار، متغیرها حول محور قطری پراکنده‌اند و متغیرها در اکثر موارد حالت بینابینی از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دارند (رنجرحیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷).

در دهه ۵۰ میلادی روش دلفی^۱ را موسسه رند^۲ احیا کرد. روش دلفی نوعی تحلیل پیمایشی به شمار می‌آید. نوعی از پژوهش پیمایشی که نیازمند پرسش چندباره از پاسخ‌دهندگان است. مراحل این روش شامل است از: تعیین موضوع برای بررسی، تهیه پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها، گزینش متخصصان مرتبط با موضوع، سنجش مقدماتی نظرات، سازمان‌دهی مقدماتی داده‌ها، بازخورد دور اول به متخصصان، سنجش دوباره دیدگاه‌ها، تحلیل، تفسیر داده‌ها و گزارش پایانی (گوردون، ۲۰۰۸: ۴). روش دلفی از جمع‌آوری نظرات کارشناسان در دفعات متعدد با استفاده متوالی از پرسشنامه‌ها به دست می‌آید و برای نمایش همگرایی نظرات و تشخیص اختلاف عقیده‌ها یا واگرایی آرا به کار می‌رود. هر تکرار یک دوره را تشکیل می‌دهد. در واقع پرسشنامه وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و اثرگذاری کارشناسان بر یکدیگر است (ایرواین و مارتین، ۱۹۸۴). اغلب این تکنیک را با تحلیل اثر متقاطع، ترکیب و بررسی می‌کنند که اگر مسئله دیگری به شکلی خاص تغییر می‌کرد، چه اتفاقی برای یک رویداد رخ می‌داد (اسلاتر، ۱۹۹۵: ۲۴).

برای انجام پژوهش با استفاده از همه داشته‌های تحلیلی و نظری و همچنین بررسی مطالعات موجود در این‌باره عوامل اصلی تأثیرگذار مشخص می‌شود و در اختیار خبرگان حوزه قرار می‌گیرد. کارشناسان عوامل را بررسی می‌کنند و بر اساس اهمیت به آنها نمره می‌دهند و آنها را رتبه‌بندی می‌کنند. در این مرحله، با ارزیابی کارشناسی عوامل مشابه حذف و تعدیل و یا برخی عوامل اضافه خواهد شد. در نهایت به تعداد n عامل کلیدی (بیشتران) خواهیم رسید که این عوامل دارای برهم‌کنش دوطرفه بر یکدیگر خواهند بود. در این مرحله اثرات متقابل بین عوامل کلیدی در قالب ماتریس $n \times n$ اثرات متقابل ارزیابی می‌شود. به گونه‌ای که کارشناسان متخصص روابط متقابل (تأثیرگذاری-تأثیرپذیری) این عوامل را تعیین و امتیازات مربوطه را در بازه صفر تا سه در ماتریس تکمیل می‌کنند. در ادامه کلیه امتیازات تعیین شده برای ارزیابی مدل در قالب ماتریس نهایی تهیه و توسط نرم‌افزار تخصصی تحلیل اثرات متقابل میک‌مک پردازش می‌شود و سپس تحلیل خواهد شد.

جامعه آماری این پژوهش، متشکل از یازده نفر از متخصصان حوزه خانواده و ازدواج بوده‌اند. این متخصصان شامل استادان دانشگاه در رشته مرتبط، پژوهشگران حوزه خانواده و ازدواج و

1. Delphi techniques
2. Rand

کارشناسان با سابقه اجرایی در حوزه ازدواج هستند. براساس ویژگی‌های جامعه آماری که کارشناسان و خبرگان را شامل می‌شود، نمونه‌گیری هدفمند ملاک قرار گرفته است. در نمونه‌گیری هدفمند پژوهشگر شرکت‌کنندگان را انتخاب می‌کند؛ زیرا یا به صورت مشخص دارای ویژگی یا پدیده مورد نظر هستند و یا غنی از اطلاعات در موردی خاص هستند. در واقع این روش زمانی استفاده می‌شود که نیاز به نمونه‌های خبره باشد (جلالی، ۱۳۹۱: ۳۱۳). قلمرو مکانی پژوهش نیز کشور ایران بود.

۵. یافته‌ها

برای شناسایی پیش‌ران‌های تجرد در ایران نظریات مختلف درباره تجرد و ازدواج، و پژوهش‌ها و مطالعات تجربی مرتبط و همچنین نظرات صاحب‌نظران حوزه خانواده و ازدواج بررسی شده است؛ تا عوامل مؤثر بر مسئله تجرد شناسایی شود.

شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر تجرد در ایران

با توجه به بررسی مطالعات و استفاده از نظرات کارشناسان، عوامل مؤثر بر مسئله تجرد در ایران جمع‌آوری شد و در اختیار کارشناسان قرار گرفت. پس از بررسی نظرات خبرگان، برخی عوامل کنار گذاشته و برخی اضافه شدند و در نهایت به تعداد ۱۰۴ عامل دست‌یافتیم. در مرحله بعد این عوامل به صورت عوامل کلیدی در «قالب ماتریس اثرات متقابل درآمد» در اختیار متخصصان قرار گرفت و تکمیل شد. بعد از امتیازدهی به اثرگذاری- اثرپذیری عوامل کلیدی و با توجه به نظر متخصصان برخی عوامل مشابه ترکیب و عوامل غیرمؤثر حذف و در نهایت ۱۹ پیش‌ران در مسئله تجرد انتخاب شدند. در ماتریس اثرات متقابل پیش‌ران‌های موجود در سطرهای ماتریس بر پیش‌ران‌های موجود در ستون تأثیر می‌گذارند؛ بدین ترتیب پیش‌ران‌های سطرها، تأثیرگذار و پیش‌ران‌های ستون‌ها تأثیرپذیرند (گودت، ۲۰۰۶: ۶۱). همان‌گونه که اشاره شد میزان ارتباط پیش‌ران‌ها با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود. صفر به منزله «بدون اثر» و سه به منزله «تأثیر زیاد» است. در جدول ذیل پیش‌ران‌های نهایی تجرد را می‌توان مشاهده کرد. خبرگان پس از مشخص کردن ارزش پیش‌ران‌ها در ماتریس اثرات متقابل، ارزش‌ها تجمیع و در قالب داده‌های اولیه وارد نرم‌افزار میک‌مک می‌شوند. ستون دوم و سوم جدول ۱ نشان‌دهنده اسامی کامل و اسامی کوتاه پیش‌ران‌های وارد شده در نرم‌افزار است.

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۲

جدول ۱. پیش‌ران‌های نهایی تجرد در ایران

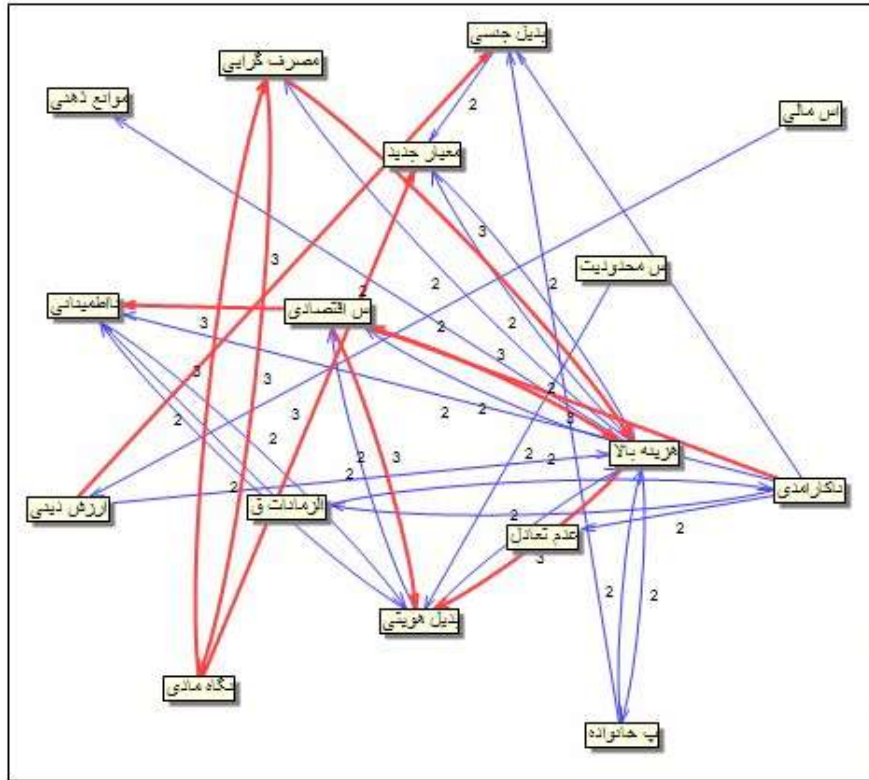
ردیف	پیش‌ران‌های نهایی تجرد	نام اختصاری
۱	استقلال مالی و هویتی زنان با افزایش مشارکت اجتماعی اقتصادی	اس مالی
۲	بدیل‌های هویتی برای ازدواج	بدیل هویتی
۳	بدیل‌های عاطفی و جنسی برای ازدواج	بدیل جنسی
۴	نگاه مادی گرایانه به ازدواج	نگاه مادی
۵	ساختارهای اجتماعی محدودیت‌زا برای ارتباط معقول بین مردان و زنان	س محدودیت
۶	نااطمینانی و نگرش منفی نسبت به موفقیت ازدواج	نااطمینانی
۷	هزینه‌های بالا برای شروع زندگی	هزینه بالا
۸	ساختارهای اقتصادی نامناسب موجود در کشور	س اقتصادی
۹	تأثیر رسانه‌های جمعی بر تغییر نگرش جوانان	رسانه جمعی
۱۰	میزان پایبندی به ارزش‌های دینی و سنتی	ارزش دینی
۱۱	تفکرات تقدیرگرایانه	تقدیرگرایی
۱۲	مصرف‌گرایی و تجملاتی شدن	مصرف‌گرایی
۱۳	کلیشه‌های رایج سنتی برای انتخاب همسر	کلیشه رایج
۱۴	ایجاد معیارهای جدید برای انتخاب همسر	معیار جدید
۱۵	پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده	پ خانواده
۱۶	انباشت موانع ذهنی و شخصیتی در افراد	موانع ذهنی
۱۷	عدم تعادل جمعیتی بین مردان و زنان	عدم تعادل
۱۸	ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای زیربنا برای تسهیل ازدواج	ناکارآمدی
۱۹	الزامات قانونی مؤثر در ازدواج	الزامات ق

با توجه به پیش‌ران‌های نهایی، ماتریسی ۱۹×۱۹ از عوامل تشکیل شد که در اختیار کارشناسان قرار گرفت. اثرات متقابل عوامل با دوبار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینه‌شدگی صددرصدی برخوردار شده‌اند که روایی بالای پرسشنامه را نشان می‌دهد. درجهٔ پرشدگی ماتریس ۹۰/۵ درصد است که نشان می‌دهد که در بیش از ۹۰ درصد موارد، پیش‌ران‌ها بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند. از مجموع ۳۲۷ رابطهٔ قابل ارزیابی در این ماتریس، تعداد ۳۴ رابطه صفر بوده که نشان‌دهندهٔ عدم تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری عوامل از یکدیگر است. تعداد ۱۸۶ رابطهٔ ۱ می‌باشد و نشان‌دهندهٔ روابط ضعیف است. عدد ۲ دارای ۱۳۱ تکرار است که نشان‌دهندهٔ تأثیرگذاری نسبتاً متوسط است و در نهایت عدد ۳ با ۱۰ بار تکرار که نشان‌دهندهٔ روابط پیش‌ران‌ها با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالاست. در جدول ۲ داده‌های اولیه ماتریس اثرات متقابل را نشان می‌دهند.

جدول ۲. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و تأثیرات متقابل

اندازهٔ ماتریس	تعداد چرخش	تعداد صفر	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	جمع	درجهٔ پرشدگی
۱۹	۲	۳۴	۱۸۶	۱۳۱	۱۰	۳۲۷	۹۰/۵ درصد

Direct influence graph



- Weakest influences
- Weak influences
- Moderate influences
- Relatively strong influences
- Strongest influences

شکل ۴. نقشه روابط مستقیم بین عوامل

شکل ۴ نشان دهنده روابط بین متغیرهاست. بدین معنا که میزان تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است. بر این اساس تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر از حالت بسیار ضعیف تا بسیار قوی درجه بندی شده است. خطوط قرمز نشان دهنده تأثیرگذاری بسیار قوی متغیرها بر یکدیگر هستند. خطوط آبی نیز براساس قطر خطوط بیانگر تأثیرگذاری متوسط یا نسبتاً قوی بین متغیرها هستند. همچنین جهت فلش‌ها نیز نشان دهنده این است که کدام متغیر بر دیگری تأثیر دارد. به عنوان مثال متغیر ارزش‌های دینی بر روی متغیر بدیل‌های جنسی ازدواج تأثیر زیادی دارد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2026-06-19] [DOR: 20.1001.1.24766933.1398.10.2.10.4]

نرم‌افزار میک‌مک روابط بین عوامل را به توان ۲، ۳، ۴، ۵، ... می‌رساند تا بر این اساس اثرهای غیرمستقیم عوامل بر یکدیگر سنجیده شود. هر چه میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری یک عامل بیشتر باشد، احتمال قرارگیری عامل در منطقه ریسک و هدف بیشتر است و بنابراین عامل کلیدی محسوب می‌شود.

تعیین تأثیر عوامل بر یکدیگر

در مجموع در سیستم دو نوع روابط مستقیم و غیرمستقیم بین عوامل وجود دارد. در تحلیل صفحه پراکنش عوامل، می‌توان این روابط را شناسایی کرد. در کل در تحلیل نمودار پراکنش متغیرها می‌توان پنج دسته متغیر در سیستم شناسایی کرد: متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای دووجهی، متغیرهای تأثیرپذیر، متغیرهای مستقل و متغیرهای تنظیمی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۰). نتایج تحلیل پیش‌ران‌های کلیدی مجرد در ایران بر اساس نمودار پراکنش در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳. جایگاه هر یک از عوامل در نقشه تأثیرگذاری-تأثیرپذیری

ردیف	طبقه‌بندی	عوامل کلیدی
۱	عوامل تأثیرگذار	تأثیر رسانه‌های جمعی بر تغییر نگرش جوانان، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای زیربنا برای تسهیل ازدواج
۲	عوامل دووجهی	کاهش میزان پابندی به ارزش‌های دینی و سنتی، نگاه مادی‌گرایانه به ازدواج، ایجاد معیارهای جدید برای انتخاب همسر، بدیل‌های هویتی برای ازدواج، ناطمینانی و نگرش منفی نسبت به موفقیت ازدواج، مصرف‌گرایی و تجملاتی‌شدن، هزینه‌های بالا برای شروع زندگی، ساختارهای اقتصادی نامناسب موجود در کشور
۳	عوامل تأثیرپذیر	استقلال مالی و هویتی زنان با افزایش مشارکت اجتماعی اقتصادی، بدیل‌های عاطفی و جنسی برای ازدواج، انباشت موانع ذهنی و شخصیتی در افراد، کلیشه‌های رایج سنتی برای انتخاب همسر
۴	عوامل مستقل	الزامات قانونی مؤثر در ازدواج، تفکرات تقدیرگرایانه، عدم تعادل جمعیتی بین مردان و زنان
۵	عوامل تنظیمی	ساختارهای اجتماعی محدودیت‌زا برای ارتباط معقول بین مردان و زنان

با توجه به نمودار حاصل از تحلیل اثرات متقابل (شکل‌های ۳ و ۴) و همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، سه عامل «تأثیر رسانه‌های جمعی بر تغییر نگرش جوانان»، «پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده» و «ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای ذی‌ربط برای تسهیل ازدواج» به عنوان پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر مجرد مشخص شده‌اند. این دسته از عوامل منتهی‌الیه شمال غربی نمودار مشاهده می‌شوند. این عوامل توان تأثیرگذاری بالایی بر کل سیستم دارند. عواملی مانند «کاهش میزان پابندی به ارزش‌های دینی و سنتی»، «نگاه مادی‌گرایانه به ازدواج»، «ایجاد معیارهای جدید برای انتخاب همسر» در قسمت شمال غربی نمودار قرار می‌گیرند؛ که متغیرهای دووجهی هستند. این متغیرها به دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم می‌شوند و ویژگی اصلی آنها تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیاد است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود تعداد زیادی از عوامل در این ربع قرار دارند که نشان‌دهنده نقش دوگانه تأثیرگذاری-تأثیرپذیری

عوامل بر مجرد است. عواملی چون «استقلال مالی و هویتی زنان با افزایش مشارکت اجتماعی اقتصادی» «بدیل‌های عاطفی و جنسی برای ازدواج» که در ربع جنوب شرقی نمودار قرار دارند، تأثیرپذیری بالایی از سایر عوامل دارند. این عوامل در نتیجه شکل‌گیری و تقویت سایر عوامل پدید آمده‌اند. در ربع جنوب غربی نمودار عواملی مانند «الزامات قانونی مؤثر در ازدواج»، «عدم تعادل جمعیتی بین مردان و زنان» دیده می‌شود که این عوامل دارای استقلال بیشتر و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری کمتری نسبت به کل سیستم هستند. در نهایت دسته دیگری از عوامل که در نزدیکی مرکز ثقل نمودار قرار دارند عوامل تنظیمی نام دارند که می‌توان به عنوان محرک مؤثر در حرکت به سوی پایداری سیستم از آن استفاده نمود.

میزان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل بر یکدیگر

در جدول ۴ میزان اثرگذاری و اثرپذیری ۱۹ پیشران اصلی مجرد در ایران به صورت مستقیم و غیر مستقیم مشخص شده است. تمامی پیشرانها با میزان و همچنین رتبه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آنها در این جدول آمده است.^۱ در میان پیشران «ساختارهای اقتصادی نامناسب موجود در کشور»، چه در اثرات مستقیم و چه در اثرات غیرمستقیم بیشترین تأثیر را بر مجرد دارا است. پیشران «بدیل‌های هویتی برای ازدواج» نیز در اثرات مستقیم و غیرمستقیم بالاترین میزان اثرپذیری از عوامل دیگر دارد.^۲

۱. در ماتریس اثرات متقابل، جمع اعداد سطرهای هر پیشران، نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری و جمع هر ستون پیشران نشان‌دهنده مقدار تأثیرپذیری آن پیشران از پیشران‌های دیگر است. تأثیر متغیرها با در نظر گرفتن تعداد گروه‌های ارتباطی در ماتریس تشکیل شده، قابل شناسایی است. متغیری که بر تعداد محدودی از متغیرها اثر مستقیم دارد، تأثیرگذاری کمی در کل سیستم دارد. با در نظر گرفتن ستون یک متغیر در ماتریس می‌توان اثرپذیری مستقیم آن متغیر را بررسی کرد (زالی و منصور، ۱۳۹۴).

۲. خروجی نرم‌افزار برای رتبه‌بندی اثرگذاری و اثرپذیری پیشران‌ها و همچنین جابجایی آنها از حالت مستقیم به غیر مستقیم در پیوست ۱ آمده است.

شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌های مؤثر بر مجرد در ایران

جدول ۴. مقادیر اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم پیش‌ران‌های مجرد

ردیف	پیش‌ران‌های نهایی مجرد	اثرات مستقیم				اثرات غیرمستقیم			
		اثرگذاری	رتبه	اثرپذیری	رتبه	اثرگذاری	رتبه	اثرپذیری	رتبه
۱	استقلال مالی و هویتی زنان با افزایش مشارکت اجتماعی اقتصادی	۲۳	۱۳	۲۸	۸	۱۵۶۶۹	۱۲	۱۸۴۷۱	۹
	بدیل‌های هویتی برای ازدواج	۲۵	۱۱	۳۴	۱	۱۷۰۱۴	۱۱	۲۲۲۵۱	۱
۳	بدیل‌های عاطفی و جنسی برای ازدواج	۲۳	۱۳	۳۰	۴	۱۵۱۵۱	۱۴	۱۹۸۵۰	۵
۴	نگاه مادی گرایانه به ازدواج	۲۹	۴	۲۹	۶	۱۹۴۷۳	۳	۱۹۴۱۰	۶
۵	ساختارهای اجتماعی محدودیت‌زا برای ارتباط معقول بین مردان و زنان	۲۴	۱۲	۲۴	۱۲	۱۵۶۴۳	۱۳	۱۵۷۱۶	۱۲
۶	نااطمینانی و نگرش منفی نسبت به موفقیت ازدواج	۲۶	۹	۳۳	۲	۱۷۴۰۵	۹	۲۱۳۴۲	۳
۷	هزینه‌های بالا برای شروع زندگی	۲۷	۸	۲۹	۶	۱۸۲۳۰	۷	۱۹۳۹۴	۷
۸	ساختارهای اقتصادی نامناسب موجود در کشور	۳۲	۱	۲۵	۱۱	۲۱۱۶۴	۱	۱۶۴۳۸	۱۱
۹	تأثیر رسانه‌های جمعی بر تغییر نگرش جوانان	۲۶	۹	۱۸	۱۷	۱۷۰۱۶	۱۰	۱۲۰۴۰	۱۷
۱۰	میزان پایبندی به ارزش‌های دینی و سنتی	۳۰	۲	۳۰	۴	۱۹۱۸۵	۴	۱۹۹۴۶	۴
۱۱	تفکرات تقدیرگرایانه	۲۱	۱۵	۱۵	۱۸	۱۳۴۳۳	۱۵	۹۳۴۱	۱۸
۱۲	مصرف‌گرایی و تجملاتی شدن	۲۹	۴	۲۷	۹	۱۸۸۸۹	۵	۱۸۷۳۳	۸
۱۳	کلیشه‌های رایج سنتی برای انتخاب همسر	۲۰	۱۶	۲۴	۱۲	۱۳۱۳۵	۱۷	۱۵۴۳۳	۱۳
۱۴	ایجاد معیارهای جدید برای انتخاب همسر	۲۸	۷	۳۲	۳	۱۸۱۶۱	۸	۲۱۳۴۶	۲
۱۵	پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده	۳۰	۲	۲۲	۱۴	۱۹۶۳۸	۲	۱۴۵۵۰	۱۴
۱۶	انباشت موانع ذهنی و شخصیتی در افراد	۲۰	۱۶	۲۷	۹	۱۳۱۸۴	۱۶	۱۷۴۶۴	۱۰
۱۷	عدم تعادل جمعیتی بین مردان و زنان	۱۶	۱۹	۱۱	۱۹	۱۰۴۴۶	۱۹	۶۹۰۴	۱۹
۱۸	ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای زیربنا برای تسهیل ازدواج	۲۹	۴	۲۱	۱۵	۱۸۶۱۵	۶	۱۳۵۹۵	۱۵
۱۹	الزامات قانونی مؤثر در ازدواج	۲۰	۱۶	۱۹	۱۶	۱۳۰۷۲	۱۸	۱۲۲۹۹	۱۶

۶. بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده از آنجا آشکار می‌شود که در طول تاریخ و در همه جوامع و فرهنگ‌ها، نهاد خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در دهه‌های اخیر به دلیل تغییرات روزافزون ساختارهای اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی، نهادهای بسیاری در جوامع دچار دگرگونی شده‌اند. ازدواج و تشکیل خانواده نیز متأثر از این تحولات بوده است. تمامی جوامع در طول این دهه‌ها شاهد تغییر در الگو و سن ازدواج بوده‌اند. کشور ما نیز در سال‌های اخیر شاهد پدیده تأخیر در ازدواج و مجرد بوده است. با توجه به اهمیت ازدواج از منظر فرهنگی و دینی و همچنین با در نظر گرفتن میزان جمعیت جوان کشور اهمیت این مسئله دوچندان می‌شود. بدیهی است شناسایی عوامل اثرگذار در مجرد می‌تواند کمک شایانی به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه خانواده و جوانان باشد تا در این راستا برنامه‌ریزی‌های مناسب را انجام دهند.

در پژوهش حاضر با استفاده از الگوی تحلیل اثرات متقابل و روش دلفی اقدام به شناسایی پیش‌ران‌های کلیدی مجرد در ایران شد. روش تحلیل اثرات متقابل روشی است که برای تحلیل روابط بین عوامل به‌ویژه در سیستم‌های گسترده و دارای ابعاد مختلف استفاده می‌شود (بهشتی و زالی، ۱۳۹۰). براساس هدف پژوهش پیش‌ران‌های مؤثر بر مجرد جمع‌آوری شد و ابتدا به صورت عوامل اولیه در اختیار کارشناسان قرار گرفت و طی فرآیند دلفی ۱۰۴ عامل برای تعیین پیش‌ران‌ها انتخاب شد. با حذف و تعدیل و اجماع عوامل پیش‌ران‌های مجرد شناسایی شد و به صورت ماتریس اثرات متقابل در اختیار کارشناسان قرار گرفت و با اعمال نظرات آنها و وزن‌دهی به عوامل در نهایت ۱۹ پیش‌ران در تحلیل نهایی ماتریس باقی ماند. ماتریس اثرات متقابل حاصل از تجمیع نظر خبرگان با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک تحلیل و براساس پیش‌ران‌های مجرد شناسایی و تجزیه و تحلیل شد. تحلیل نتایج الگوی پراکندگی عوامل روی محور تأثیرگذاری- تأثیرپذیری، نشان‌دهنده وضعیت ناپایدار در سیستم است. نتایج تحلیل چند دسته عوامل اعم از تأثیرگذار، تأثیرپذیر، دووجهی، تنظیمی و مستقل را در اختیار ما قرار می‌دهد. براساس نتایج حاصل از میان عوامل کلیدی نهایی سه پیش‌ران «تأثیر رسانه‌های جمعی بر تغییر نگرش جوانان، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای ذی‌ربط برای تسهیل ازدواج» بیشترین تأثیرگذاری بر مجرد در ایران را دارند. با اینکه پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده به عنوان یکی از متغیرهای کلیدی و تأثیرگذار بر مجرد مشخص شد اما آنجایی که این پیش‌ران قابلیت مدیریت و تغییر توسط برنامه‌ریزی را ندارد با مشورت با متخصصان، در تحلیل نهایی کنار گذاشته شد. همان‌گونه که گیدنز مطرح می‌کند رسانه‌ها امکان بازاندیشی در سنت‌ها را فراهم می‌کنند. از نظر او رسانه‌ها عامل مؤثر در شکل‌دهی به جهان اجتماعی هستند (گیدنز، ۱۳۹۰). از طریق رسانه‌ها، افراد امکان دستیابی به اطلاعات و

داده‌های جدید و متنوع از تمامی نقاط جهان را دارند که این امر می‌تواند باعث تغییر و بازاندیشی در ارزش‌ها، سنت‌ها و نگرش‌ها را فراهم کند. همچنین رسانه‌ها با ایجاد فضاهای تعاملی امکان برقراری ارتباطات را بسیار آسان کرده‌اند که باعث ایجاد اشکال مختلف و جدیدی از تعاملات بین افراد می‌شود. همچنین رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توانند الگوهای فکری و رفتاری جدید را به مردم منتقل کنند. باندورا در نظریه یادگیری به تأثیر رسانه‌های ارتباطی بر رفتار افراد انسانی تأکید می‌کند. بر اساس این نظریه بسیاری از رفتارهای ما از طریق الگوبرداری اتفاق می‌افتد. از نظر باندورا در زندگی روزمره بسیاری از آموزه‌های ما از طریق رسانه‌های جمعی به دست می‌آید (تن، ۱۳۸۸). گربنر نیز در نظریه کاشت مدعی می‌شود که رسانه‌ها ارزش‌های فرهنگی را میان اعضای جامعه حفظ و تبلیغ می‌کنند و آن ارزش‌ها را به یکدیگر متصل می‌کنند. مخاطبان براساس نگرش و باورهای خود دست به انتخاب می‌زنند و پیام رسانه‌ای دریافت می‌کنند. براین اساس رسانه‌های جمعی با امکان دسترسی آسان امکان شکل‌دهی به باورها و نگرش‌ها و الگوهای کنش متقابل در افراد را دارند (مهدی زاده، ۱۳۸۹). بدین‌گونه تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پیش‌ران مؤثر بر الگوهای ازدواج و مجرد روشن می‌شود. علاوه بر این نتایج حاصل از پژوهش‌های مختلف مانند؛ مهدوی، کلدی، جمند (۱۳۹۵)، خواجه نوری و حسینی (۱۳۹۵)، جمند، مهدوی، کلدی (۱۳۹۶)، فولادی (۱۳۹۳)، سرایی و اجاقلو (۱۳۹۲)، کاظمی‌پور (۱۳۸۳) تأثیر این پیش‌ران را تأیید می‌کنند. جوانان برای آماده‌سازی خود برای تشکیل خانواده نیاز به حمایت از جامعه و نهادهای اجتماعی دارند. براساس متغیرهای الگویی پارسونز، هسته‌ای شدن خانواده ناشی از ماهیت تقسیم‌کار در جوامع صنعتی جدید است. از نظر او از آثار پیچیدگی نظام این است که شغل از ارکان اصلی پایگاه اجتماعی است. پایگاه شغلی فرد حاصل فرآیند طولانی سرمایه‌گذاری و آموزش هست. در مسیر تحول در جوامع صنعتی زمانی می‌رسد که خانواده اغلب از لحاظ پایگاه شغلی کمکی به فرد نمی‌کند (بودن، ۱۳۷۳: ۱۱۱). و این وظیفه بر عهده نظام اجتماعی قرار می‌گیرد. جوانان زمانی ازدواج می‌کنند که اطمینان حاصل کنند که طبق آداب و رسوم طبقه اجتماعی خود از عهده تأمین معاش خانواده برمی‌آیند. در کشورهای صنعتی جوانان طبقات مرفه به‌ندرت قبل از ۲۸ تا ۳۰ سالگی امکان دسترسی به شغل دلخواه‌شان را پیدا می‌کنند. این امر به‌ویژه در زمانی که دستیابی به مشاغل خاص نیازمند تحصیلات طولانی باشد بیشتر خواهد بود. براین اساس ازدواج نیازمند تعامل خرده نظام‌های اقتصادی و آموزشی و سیاسی و اجتماعی با یکدیگر است (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۳۷۹). همچنین براساس نظریه مرتن می‌توان پیش‌ران ناکارآمدی برنامه‌های دولت و نهادهای مرتبط را توضیح داد. مرتن معتقد است که اگر میان اهداف نهادینه و ابزارهای نهادینه ارتباط متقابل وجود داشته باشد، انسجام اجتماعی به وجود می‌آید. ازدواج

زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های وصول به آنها را تعیین کند تا جامعه به انسجام برسد و تداوم یابد. اگر اهداف مشخص شده توسط جامعه با ابزارهای تحقق آن ناسازگار باشد، جامعه دچار عدم تعادل و عدم انسجام می‌شود (تنهایی، ۱۳۸۲). پدیده باقی‌ماندن در مجرد و ازدواج‌نکردن با این نظریه قابل توضیح است. خانواده و اجتماع ازدواج را هدفی ارزشی، سنتی می‌دانند؛ اما امکانات و ابزار رسیدن به آن به راحتی مهیا نیست. جامعه بر اهداف ارزشی و هنجاری تأکید می‌کند؛ اما امکانات و ابزار لازم برای رسیدن به هدف یعنی ازدواج را فراهم نمی‌آورد. این گسست بین اهداف و وسایل باعث عدم انسجام شده که در اینجا به شکل مجرد خود را نشان می‌دهد. با مراجعه به مطالعاتی مانند: رضانی و قلتاش (۱۳۹۶)، فولادی (۱۳۹۳)، کاظمی‌پور (۱۳۸۳)، مجدالدین و جمالی (۱۳۸۶) و مرادی و صفاریان (۱۳۹۱) می‌توان به نتایج تأییدکننده در این باره دست یافت. عوامل دوجوهی که میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بالایی دارند می‌توانند به عنوان پیش‌ران‌های کلیدی در سیستم عمل کنند. با مدیریت و تغییر در این عوامل می‌توان در راستای هدف سیستم حرکت کرد. پیش‌ران «میزان پایبندی به ارزش‌های دینی و سنتی» با نظریه‌های دورکیم و نظریات فردگرایی ناشی از مدرنیسم که متفکرانی مانند لرنر و گود مطرح کرده‌اند و همچنین مطالعاتی مانند آقایی و طاهری بنچناری (۱۳۹۲)، مهدوی، کلدی، جمند (۱۳۹۵)، فخرایی و پورتنقی (۱۳۹۴) و سرایی و اجاقلو (۱۳۹۲) قابل توضیح است. همچنین نظریه بازاندیشی در دوران مدرن‌گیدن این پیش‌ران را پشتیبانی می‌کند. پیش‌ران «ساختارهای اقتصادی نامناسب موجود در کشور» نیز با استفاده از تئوری بی‌سازمانی مرتن قابل توضیح است. نتایج مطالعات صادقی و شکفته‌گوهری (۱۳۹۶) رضادوست و ممبنی (۱۳۸۸) محمودیان، ترابی، محمودیانی (۱۳۹۵)، بانکی‌پور، کلانتری و مسعودی‌نیا (۱۳۹۰)، ناستی‌زایی (۱۳۸۵) و خیری و حاجی‌آقا (۱۳۹۵) نیز در هم‌راستا با این پیش‌ران است. پیش‌ران «ایجاد معیارهای جدید برای انتخاب همسر» با نظریه رابطه ناب‌گیدن پشتیبانی می‌شود. گیدنز معتقد است: امروزه ازدواج به صورت رابطه‌ای درآمده است؛ که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی خاص از همزیستی با همسر به دست می‌آید (گیدنز، ۱۳۹۴). عباس‌زاده و نیکدل (۱۳۹۵)، جهانبخشی و فضل‌الهی قمشی (۱۳۹۵)، حبیب‌پور و غفاری (۱۳۹۰)، جمند، مهدوی، کلدی (۱۳۹۵)، سفیری و شهانواز (۱۳۹۴) رضانی و قلتاش (۱۳۹۵) نیز در مطالعاتشان به این موضوع اشاره داشته‌اند. پیش‌ران «بدیل‌های هویتی برای ازدواج» را می‌توان با نظریات نوسازی و هویت‌یابی گیدنز، جنکینز و همچنین هویت مقاومت کاستلز توضیح داد (جنکینز، ۱۳۹۴؛ گیدنز، ۱۳۸۸، ۱۳۹۴). نتایج حاصل از مطالعات قادرزاده و غلامی و غلامی (۱۳۹۶)، عباس‌زاده و نیکدل (۱۳۹۵)، چابکی (۱۳۹۶)، محبی، سیاح، حسینی (۱۳۹۵)، کنعانی (۱۳۸۵)، فخرایی و پورتنقی (۱۳۹۵) نیز

همانند این نظریات این پیش‌ران را تأیید می‌کنند. متغیرهای «هزینه‌های بالا برای شروع زندگی»، «نگاه مادی‌گرایانه و مصرف‌گرایی» و «نااطمینانی و نگرش منفی نسبت به موفقیت ازدواج» نیز به وسیله نظریات سبک زندگی گیدنز و بوردیو و همچنین تحت تأثیر نظریه جهانی‌شدن و تأثیرات رسانه‌ها قابل توضیح هستند. نتایج پژوهش‌هایی مانند: صادقی و شکفته‌گوهری (۱۳۹۶)، جمند، مهدوی، کلدی (۱۳۹۵)، فولادی (۱۳۹۳)، بانکی‌پور، کلانتری و مسعودی‌نیا (۱۳۹۰)، مرادی و صفاریان (۱۳۹۱)، ناستی‌زایی (۱۳۸۵)، جهانبخشی و فضل‌الهی قمشی (۱۳۹۵)، شکوری، نقدی، امامعلی‌زاده و رحیمی (۱۳۹۷)، خیری و حاجی‌آقا (۱۳۹۵)، محبی، سیاح، حسینی (۱۳۹۵)، سفیری و شهانواز (۱۳۹۴)، قانع عزآبادی، کیانپور، قاسمی (۱۳۹۲)، این پیش‌ران‌ها را پشتیبانی می‌کنند.^۱ دسته دیگر عوامل تأثیرپذیر هستند که در واقع به‌نوعی نتیجه و خروجی سیستم محسوب می‌شوند و عواملی مانند استقلال مالی و هویتی زنان و بدیل‌های عاطفی و جنسی برای ازدواج را شامل می‌شوند. در دسته‌بندی عوامل مستقل در نمودار از میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کمتری در سیستم برخوردارند. عواملی مانند الزامات قانونی و عدم تعادل جمعیتی از نظر کارشناسان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار کمی بر مجرد در ایران دارند. متغیرهای تأثیرپذیر مانند استقلال مالی و هویتی زنان از نظر خبرگان تأثیرپذیری بالاتری نسبت به دیگر متغیرها دارند. همچنین عواملی که در نزدیکی مرکز ثقل نمودار قرار دارند مانند ساختارهای اجتماعی محدودیت‌زا برای ارتباط معقول بین مردان و زنان به‌عنوان عوامل تنظیمی شناخته شده‌اند و می‌توان به‌عنوان محرک‌هایی مؤثر در حرکت به سمت پایداری سیستم از آنها بهره برد.

منابع

اعزازی، شهلا (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

التجایی، ابراهیم و مینا عزیززاده (۱۳۹۵) «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران، یک مطالعه میان استانی»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال هفتم، شماره ۳: ۱-۲۳.

۱. همان‌گونه که در بخش روش‌شناسی پژوهش توضیح داده شد پیش‌ران‌ها نتیجه بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر مجرد هستند که این عوامل مستخرج از نظریات، مطالعات تجربی و نظرات کارشناسان است. به این ترتیب بدیهی است که پیش‌ران‌های نهایی به وسیله مطالعات تجربی و نظری پشتیبانی می‌شوند.

انتظاری، اردشیر، احمد غیاثوند و فاطمه عباسی (۱۳۹۶) «عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۳: ۲۰۱-۲۶۹.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: سمت.
آقایی، سید سعید و رویا طاهری بنچناری (۱۳۹۲) «نگرش جوانان به تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بالارفتن سن ازدواج (مورد مطالعه: ناحیه ۲ و ۳ منطقه ۴ تهران سال ۱۳۹۱)»، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، دوره سوم، شماره ۸: ۷۵-۹۴.
بودون، ریمون (۱۳۷۳) تحرک اجتماعی، ترجمه مؤمن کاشی، کتاب جامعه پژوهشی، گناباد: نشر مرنديز.

بهشتی، محمدباقر و نادر زالی (۱۳۹۰) «شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، دوره پانزدهم، شماره ۱: ۴۱-۶۳.
پرهوده، فرزاد، ابوالقاسم فاتحی، اکبر مرادی (۱۳۹۸) «گرایش دانشجویان مرد ۲۶ سال به بالا به تجرد نسبی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزادشهر اسلام‌آباد غرب)»، مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی: ۴)، ۳۵-۵۲.

تافلر، آلوین (۱۳۷۰) موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر نو.
ترنر، برایان (۱۳۸۱) شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن، ترجمه غلامرضا کیانی، تهران: فرهنگ گفتمان.
تن، الکسیس. اس (۱۳۸۸) نظریه‌ها و پژوهش‌های ارتباط‌جمعی، ترجمه نعیم بدیعی، تهران: همشهری.

تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی نظری، تهران: بهمن برنا.
جلالی، رستم (۱۳۹۱) «نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی»، تحقیقات کیفی در علوم سلامت، دوره یکم، شماره ۴: ۳۱۰-۳۲۰.

جنکینز، ریچارد (۱۳۹۴) هویت اجتماعی، ترجمه تورج یار احمدی، تهران: نشر شیرازه.
جواهری، فاطمه و مینا ستوده هلالی (۱۳۹۵) «تمایل به زندگی مجردی»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، تهران: شورای اجتماعی کشور و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، جلد اول: ۱۷۱-۲۱۲.
چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۶) «روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۲ و ۳: ۱۰۲-۱۲۳.

- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰) «معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده»، *فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹: ۷۷-۱۰۵*.
- حبیب‌پور گتایی، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰) «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره نهم، شماره ۱: ۷-۳۴.
- حسنی، محمدرضا (۱۳۹۲) «بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر مزیقه ازدواج و مجرد دختران (تحلیلی بر مجرد قطعی دختران به مثابه یک مسئله اجتماعی، چالش‌ها و راهکارها)»، معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۹: ۱۱۷-۱۲۹.
- رضادوست، کریم و ایمان ممینی (۱۳۹۰) «بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل»، *مجله مشاوره کاربردی، دوره یکم، شماره ۱: ۱۰۵-۱۲۲*.
- رمضانی، سیده گل‌افروز و عباس قلناش (۱۳۹۵) «تجربه زیسته دانشجویان دکتری دانشگاه کردستان در بازماندگی از ازدواج»، *فصلنامه آموزش عالی ایران، سال هشتم، شماره ۴: ۱۰۳-۱۲۸*.
- رنجبرحیدری، وحید و همکاران (۱۳۹۵) «شناسایی و تبیین عوامل و پیش‌ران‌های مؤثر بر روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در افق ده‌ساله با بهره‌گیری از روش میک‌مک»، *فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، سال اول، شماره ۲: ۷-۳۶*.
- روشه، گی (۱۳۸۵) *تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی*.
- رهبر، فرهاد و همکاران (۱۳۹۷) «شناسایی و تحلیل کلان‌روندهای مؤثر بر بهای نفت خام با رویکرد آینده‌نگاری»، *فصلنامه بهبود مدیریت، سال دوازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۰): ۱-۲۶*.
- زالی، نادر و سارا منصوری بیرجندی (۱۳۹۵) «شناسایی راهبردهای آسیب‌پذیر توسعه اقتصادی منطقه با رویکرد برنامه‌ریزی فرض بنیاد «ABP (مطالعه موردی: استان تهران)»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره بیستم، شماره ۱ (پیاپی ۹۱): ۲۱-۵۲*.
- زیبرا، مارتین (۱۳۸۵) *نظریه‌های جامعه‌شناسی پردشدگان اجتماعی، ترجمه سید حسن حسینی، تهران: آن*.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش*.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸) *جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات*.
- سرایبی، حسن و سجاد اوجاقلو (۱۳۹۲) «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۴: ۱۹-۴۱*.

سفیری، خدیجه و سارا شهانواز (۱۳۹۴) «بررسی تجرد و هویت با استفاده از نظریه زمینه‌ای (مورد مطالعه: دختران مجرد بالای ۳۵ سال شهرستان لاهیجان)»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، دوره چهارم، شماره ۳: ۹-۳۷.

سیدمن، استیون (۱۳۹۲) *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی. شکوری، اعظم، اسدالله نقدی، حسین امامعلی‌زاده و زهرا رحیمی (۱۳۹۷) «عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج در بین کارکنان مجرد ادارات شهرستان همدان»، *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، شماره ۴۱: ۴۹-۷۲.

شهانواز، سارا و منصوره اعظم‌آزاده (۱۳۹۷) «فرا ترکیب مطالعات تجرد در ایران»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، دوره شانزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۵۷): ۴۳-۷۸. صادقی، رسول و محمد شکفته‌گوهری (۱۳۹۶) «مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج در شهر تهران»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال هشتم، شماره ۳۰: ۱۴۱-۱۷۵.

عباس‌زاده، محمد و نرمین نیکدل (۱۳۹۵) «مطالعه بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی»، *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره هشتم، شماره ۴: ۴۹۳-۵۱۶.

غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی لویه (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*، تهران: آگرا و لویه.

فاتح‌راد و همکاران (۱۳۹۲) «مختصات روش‌شناختی فرارشته آینده‌پژوهی به‌مثابه یک فرایارادایم یکپارچه»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ششم، شماره ۱: ۱۳۵-۱۶۱.

فخرایی سیروس و مهناز پورتنقی (۱۳۹۴) «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان ازدواج‌کرده بالای ۳۰ سال شهر بناب»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، سال هفتم، شماره ۲۷: ۶۳-۸۰.

فولادی، محمد (۱۳۹۳) «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج با تأکید بر عوامل فرهنگی»، *فصلنامه معرفت فرهنگی/ اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۴ (پیاپی ۲۰): ۷۷-۱۰۴.

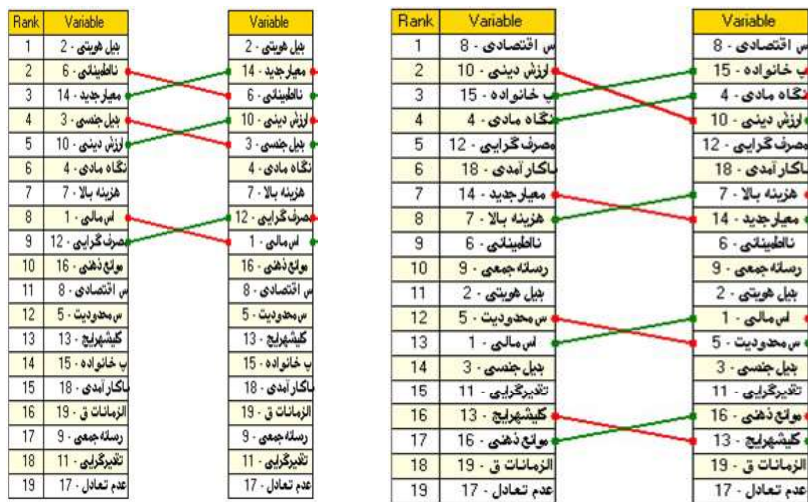
فیروزآبادی، سید احمد و علیرضا صادقی (۱۳۹۸) «مطالعه ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره هشتم، شماره ۲: ۹۳-۱۱۴.

کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳) «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۳: ۱۰۳-۱۲۴.

- کاوه فیروز، زینب و اعظم صارم (۱۳۹۵) «بررسی تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد در باب ازدواج (مطالعه شاغلان دانشگاه علوم پزشکی شیراز)»، مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۱: ۷۳-۹۵.
- کاوه فیروز، زینب، شهلا کاظمی‌پور و مرتضی رنجبر (۱۳۹۳) «تعیین‌کننده‌های اجتماعی-جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران)»، زن در توسعه و سیاست، دوره دوازدهم، شماره ۳: ۴۴۹-۴۶۸.
- کنعانی، محمد امین (۱۳۸۵) «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱: ۱۰۴-۱۲۶.
- گافمن، اروینگ (۱۳۸۶) *داغ ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده*، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴) *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶) «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۵۳: ۳۷۵-۳۸۶.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳) «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی علل پشتیبان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴: ۲۷-۵۳.
- محمودیان، حسین، فاطمه ترابی و سراج‌الدین محمودیانی (۱۳۹۲) «تفاوت‌های جنسی تعیین‌کننده سن ازدواج افراد در آستانه ازدواج در شهر کرمانشاه»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی*، دوره هشتم، شماره ۱۵: ۵-۲۲.
- مرادی، گلمراد و محسن صفاریان (۱۳۹۱) «عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، دوره سوم، شماره ۷: ۸۱-۱۰۸.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۲) *روش‌های آینده‌پژوهی*.
- موسائی، میثم، لیلا السادات فندرسی (۱۳۹۵) «تأثیر سرمایه اقتصادی بر وضعیت تأهل (مطالعه موردی: شهر بهشهر)»، *زن در فرهنگ و هنر*، سال هشتم، شماره ۲: ۲۴۹-۲۶۴.
- مهدوی، محمدصادق، علیرضا کلدی و بهاره جمند (۱۳۹۵) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی‌رغبتی جوانان شهری به ازدواج (مورد مطالعه: شهر تهران)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال ششم، شماره ۱۹: ۳۳-۶۰.
- ناظمی، امیر (۱۳۸۶) «سمینار آشنایی با آینده‌نگاری منطقه‌ای، مرکز ملی آمایش سرزمین»، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی.

- Berg-Cross, L. et al. (2004) "Single Professional Women: A Global Phenomenon, *Journal of International Women's Studies*, 5 (5): 34-59.
- Byrne, A. (2003). "Developing A Sociological Model for Researching Women's Self and Social Identities", *The European Journal of Women's Studies*, 10 (4): 443-464.
- De la Rica, S. Iza, A. (2003) "Career Planning in Spain: Do Temporary Contracts Delay Marriage and Partnership?" DFAEII Working Papers, University of the Basque Country - Department of Foundations of Economic Analysis II.
- Godet, M. (2006) *Creating Futures: Scenario Planning as a Strategic Management Tool*, France: Economica publish.
- Gordon, T; Rochberg, R, Enzer, S. (2008) "Research on Cross Impact Techniques with Selected Problems in Economics, Political Science and Technology Assessment," Institute for the Future.
- Irvine, J., Martin, B. R. (1984) *Foresight in Science: Picking the Winners*, France: Pinter Publish.
- Jayakody, R. A. Thornton, and W. Axinn (2007) *International Family Change: Ideational Perspectives*, New York: Taylor & Francis Group, LLC.
- Lahad Kinneret (2013) "Am I Asking for too Much?" The Selective Single Woman 32. MCN", *American Journal of Maternal /Child Nursing*, 28 (2): 93-99.
- Loughran, D. S. and Zissimopoulos, J. M. (2004) "Are There Gains to Delaying Marriage? The Effect of Age at First Marriage on Career Development and Wages", *RAND Labor and Population*, working paper series, November 8.
- Murayama, S. (2001) "Regional Standardization in the Age at Marriage: A Comparative Study of Pre-Industrial Germany and Japan", *The History of the Family*, 6 (2): 303-324.
- Slaughter, R. (1995) *New Thinking for New Millennium*, Melbourne: Futures Study Center.
- Suleman, Q. Aslam, H. Habib, M. Yasmeen, K. Jalalian, M. Akhtar, Z. Akhtar, B. (2015) "Exploring Factors Affecting Girls' Education at Secondary Level: A Case of Karak District, Pakistan", *Journal of Education and Practice*, 6 (13): 35-113.
- Vu, L. (2009) "Age at first Marriage in Vietnam: Trends and Determinants", Paper presented in Population Association of America, Annual Meeting, Detroit: 30 April-2 May 2006.
- Weeks, J. R. (2002) *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, Eighth Edition, UK: Wadworth.

شناسایی و تحلیل پیش‌ران‌های مؤثر بر تجرد در ایران



رتبه‌بندی اثر پذیري مستقیم و غیرمستقیم



رتبه‌بندی اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم

پیوست ۱. رتبه‌بندی اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم